

۱۰ سال از شهادت رفیق هوشنگ تیرابی گذشت

صفحه ۷

دهقانان زندانی را آزاد کنید! زمین به دهقانان

شورای عالی قضائی جمهوری اسلامی ایران، که متعهد به دفاع از منافع "پینه بدستانی" است، که با انقلاب خود و جانفشانی و ایثار آنها را "از زندانها بیرون آوردند" و بر اینکه قدرت نشاننده، نه تنها به نفع دهقانان زحمتکش حکم صادر نمی‌کند، بلکه با باقی گذاشتن آنها در زندانها، عملاً به تأیید احکام جا برانه صادر شده توسط حکام دادگاهها پرداخته است.

شورای عالی قضائی، که برای رسیدگی به "اختلافات مالکین (۱) اراضی و زمینین" که "منجر به زندانی شدن کشاورزان که زمینها را با مجوز قانونی (توجه می‌شود؟ با مجوز قانونی (۱) از طرف هیئت های ۷ نفره یا شورای کثرت دریافت کرده بودند" جلسهای تشکیل داده بود (اطلاعات ۲۶ خرداد ۶۲)، بجای آزادی دهقانان زندانی "مقرر" داشت، که "هیئت های در اسرع وقت (۱) به این مناطق اعزام شوند"!

شورای عالی قضائی با این "مقرر" داشتن خود در واقع مالکیت "مالکین اراضی" را تثبیت کرده است. شورای عالی قضائی به عنوان بالاترین مرجع قضائی کشور با کدام مجوز قانونی، قانون شکنی علیه دادگاهها و دادسراهای تحت بقیه در صفحه ۱۵

راه توده

شهرمردان حزب توده ایران در خارج از کشور

جمعه ۱۰ تیر ۱۳۶۲ مطابق ۱۱
رضان ۱۴۰۳ و ۳۱ ریش ۱۹۸۳
سال اول - شماره ۴۸
پهنا: ۴۰ - عرض: ۱۰

نگرانی مردم ایران از آینده کشور

کردن اهرمهای حساس دولتی، انقلاب ضد امپریالیستی توده‌های زحمتکش را از شاهراه اصلی منحرف سازند و آنرا به پرتگاه سقوط بکشاند اظهار رضایت می‌کنند.

روزنامه "هرالد تریبون" در شماره ۴۰ و ۵ ژوئن ۱۹۸۳ می‌نویسد، در کنفرانس هفت کشور بزرگ صنعتی غرب، که اخیراً در ویلیامسبورگ پایان یافت، سران دول شرکت‌کننده موافقت کردند، مانعی در راه تلاش ایران برای بهبود مناسباتش با این کشورها ایجاد نکنند.

روزنامه با استناد به منابع وزارت امور خارجه ژاپن خاطر نشان می‌سازد، این موضوع در جلسه وزرای امور خارجه انگلستان، کانادا، بقیه در صفحه ۶

دستگیری، زجر و شکنجه اعضای حزب توده ایران همچنان ادامه دارد. روزی نیست که، جرایم تحت سانسور، اخبار دستگیری گروهی از اعضای حزب را در این و یا آن استان، در این یا آن شهر منتشر سازند. اعمال ضد بشری هیئت حاکمه ایران که نشانگر همکاری دانه‌دار آنان با ارتجاعی -

ترین نیروها در عرصه بین‌المللی در مرحله کنونی اجرای استراتژی ضد کمونیستی و ضد شوروی رونالد ریگان است، موجبات خرسندی امپریالیسم بسرکردگی امپریالیسم آمریکا را فراهم آورده است. دستگاشهای سخن پراکنشی امپریالیستی - ضد کمونیستی، از اینکه نیروهای واپس‌گرا و عمال امپریالیسم توانسته‌اند با قبضه

تب انقلابی ولرز تسلیم طلبی!

چگونه به "دست‌بینه بسته" پشت کردند!

روند بازگشت جمهوری نوپای ما از راه اصلاحات ارضی انقلابی و براندازی بزرگ زمین داری و خان‌خانی در یکسال اخیر، روزی نیست که در روزنامه‌های مجاز مطرح نشود و سند دیکی دایر بر پشت کردن به اهداف "انقلاب کسوخ" نشینان علیه کاخ نشینان "توسط تسلیم طلبیان" برعلا نشود!

"راه توده" در زیر "بخشنامه به دادگاهها و دادسراها" را، که از طرف شورای عالی قضائی صادره شده است، تجدید چاپ می‌کند، تا خوانندگان با عمق این روند انقلاب برانداز بهتر آشنا شوند.

به کمک این بخشنامه، شورای عالی قضائی کوشش می‌کند موقتاً مانع از بازپس گرفتن زمین های تقسیم شده بر مبنای قانون اصلاحات ارضی مصوب شورای انقلاب و بویژه بند "ج" آن شود. ماساکنگران دیروزی، که اجرای این قانون را در ابتدا "مسکوت" گذاشته، از تجارب "نبرد" که بر که "در سالهای اخیر هیچ نیا موختفانند" آنها، که روزی مدعی بودند "تا سه سال دیگر به هر خانواده ایرانی یک خانه تعلق خواهد" بقیه در صفحه ۲

گسترش همبستگی بین‌المللی برای نجات جان زندانیان توده‌ای

خود نمی‌بینند و یا به عمد چشمان خود را بسته اند تا خویش را در عالم پندار، بر فراز قلعه پیروزی ببینند، غافل از اینکه اگر بند بند این قریانیان را از هم جدا کنند، باز نخواهند توانست، حزب توده ایران را نابود کنند، زیرا که حزب ریشه در خون دارد و در خون بازخوان خواهد زد و مرگ هر مبارزی، تنها خشم و نفرت آزادی خواهان جهان و میهنان و عزم آنان را در بر بقیه در صفحه ۳

پس از شهادت رفیق حسن حسین پور تبریزی بدست شکنجه‌گران جمهوری اسلامی ایران، موج همبستگی بین‌المللی برای نجات جان زندانیان توده‌ای ابعاد گسترده تری بخود گرفته است. ما و با ما، افکار عمومی مترقی و کلیه انسان های شرافتمند در سراسر جهان، نگران سرنوشت مبارزین دیگری هستیم که هنوز در سپاهچالها و در اطاقهای شکنجه گرفتارند، گرفتار کوردلانی که موج همبستگی جهانی را با تک تک قریانیان

زنده باد حزب توده ایران مدافع راستین استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی

عروج "دست آهنین"

قهرمان، بدست آورد و بدین طریق چند صباحی بر سریر قدرت تکیه بزنند، لاجرم تا وقتی که چاکران سر سپرده امپریالیسم آمریکا حاکم مطلق بر سر نوشت مردم نشوند و انقلاب به خاک سپرده نشود، رضا نخواهد داد. امپریالیسم ایران را میخواید نه کم و نه بیش:

آنچه که نماینده مجلس به دست فراموشی سپرده آگاهی، و توان انقلابی مردم ایران و شرایط عینی موجود انقلابی است. اگر در زمان صریح رضا خان قلد رفته میشد:

"تجارت نیست، صنعت نیست، ره نیست امید ی جز به سردار سپه نیست"

اکنون مردم انقلابی ره دارند، امید هم دارند. ره همان ره ای است که حزب توده، ایران که از ۴۰ سال پیش در آن روان است، و امید آن امید ی است که انقلاب پر شکوه ۲۲ بهمن در دل ها ایجاد کرده.

مردم انقلابی ایران عاقبت نافرجام انقلاب مشروطیت را از خاطر نبرد ماند. آنان امشال رضا قلد رها را که به عنوان "منجی ایران" و "دست آهنین" برای نجات مشروطه نیم بند و استقرار "جمهوری" وارد صحنه شده بودند فراموش نکرده است. ○

(از سخنان قبل از دستور فخرالدین حجازی در مجلس - اطلاعات - ۳۰ خرداد)

آقای فخرالدین حجازی در جستجوی "قهرمانی" نیستند، که غول گرانی را بشکند، ایشان در واقع دنبال "قهرمانی" میگردند که "غول" انقلاب را بشکند.

آقای فخرالدین حجازی که به طبقات سرمایه داری وفادار و از خلق بیزار است، بفکر چاره شکستن و کستن "غول گرانی" افتاده است! ایشان معتقدند "قهرمانی" باید پیدا شود که "شکست" و "سرنیزه" خوبی باشد تا بتواند به دستاویز شکستن "غول گرانی" متولن انقلابی مردم را بشکند و از آنان انتقام بگیرد.

آقای فخرالدین حجازی این هدف امپریالیسم را صریح می کند که: امپریالیسم در ایران حکومتی را می طلبد که صد درصد وابسته و مطیع او باشد، هر چند تسلیم طلبان می گویند تا دل امپریالیسم را با قربانی کردن توده های

امپریالیسم و ارتجاع برای فلج کردن انقلاب کوشیدند تا گرانی و کمبود ایجاد کنند، آزادی را از مردم سلب نمایند، محیط رعب و وحشت را دامن زنند و در نهایت جان مردم را به لب رسانند. اکنون گویا این جو دلخواه آنان پدید آمده و "آبادگی روحی" مردم نیز مهیا گشته است. بنابر این باید از "خطا فکری بردی برخیزد و زان کرد صاحب کلاه می برآید". آقای فخرالدین حجازی بعنوان بشارت دهنده "این نوظهور می گوید:

"در ماه رمضان غول گرانی پیدا میکند و این مردم مبارز و مقاوم گرچه خمی بر ابرو نمی آورند (!) ولی بالاخره مارا هم وظیفه ای و مشغولیتی است، حالا این غول را چه کسی بشکند و چه کسی بکشد، نمیدانم (!)، وزارت بازرگانی، دولت، مجلس، دادگاههای انقلاب، خود مردم، البته، بالاخره باید پیدا شود قهرمانی که بتواند با این غول بجنگد."

تب انقلابی و لرز تسلیم طلبی!

بقیه از صفحه ۱

داشت " (آیت الله خسرو شاهی ۵۰) برای جلوگیری از تخلیه خانه ها نیز به همین راه ناموفق رفتند که بخشنامه امروز شورای عالی قضائی می رود. ماسا تاگران آن روز در آن زمان تخلیه خانه و اجرای احکام دادگاهها را با تعویب لویاحی در مجلس د و بار و هر بار شش ماه به تعویق انداختند، ولی اکنون که قانون مالک و مستاجر بطور نهائی تصویب شده است، برای مستاجران در پسر پاشنه ای پس بد تر از زمان رژیم شاه می گردد!

به تعویق انداختن موقتی اجرای احکام دادگاهها در مورد یازمین گرفتن زمین از دهقانان، و نه لغو این احکام، نیز قدم گذاشتن به همین راه نامیوم برای زحمتکشان بیپس است.

نیاموختن از این تجربه دردناک و تکرار آن بیان کننده چشم پوشی از اهداف "انقلاب کمسوخ نشینان علیه کاخ نشینان" است.

اکنون به محتوای این بخشنامه توجه کنید:

"اختلاف و دعاوا " مزبوط به زمین هائمی است، که "در سالهای ۵۸ و ۵۹" - روزهای افاش و سرگونی دولت لیبرالها و تسخیر جاسوسخانه - " توسط نهاد های انقلابی جهاد سازندگی، شوراهای اسلامی یا هیأت های هفت نفره یا دادسراها و ادستانی هله دهقانان واگذار شده است. اما بخشنامه مدعی است، که گویا این زمین ها که طبق قانون شورای انقلاب تقسیم شده اند، "مصادره" نشده بودند!؟ در بخشنامه از صاحبان "مخفی و فراری" زمین ها، که با در عملیات سرکوبگرانه علیه انقلاب فعالانه شرکت کرده بودند و یا در زمان رژیم شاه خلق را

غارت کرده بودند و از اینرو "فراری و مخفی" نیز بودند، صحبت می شود، که اکنون که طوفان انقلاب خوابانده می شود و راستگرایان بر مواضع حساس و عید مسلط شد مانده، بازگشتند. هم

رسیدگی به اختلاف زمینهای مصادره شده

مزرعی مری: از سوی آیت الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی مشور شورای عالی قضائی، در رابطه با اختلاف زمین و دعاوای مربوط به زمین، اطلاعاتی بشرح تفسیر صادر شد:

بسمه تعالی

بخشنامه به دادگاهها و دلسراها درباره اختلاف زمین و دعاوای مربوط به آن زمین هائی که در سالهای ۵۸ و ۵۹ توسط جهاد سازندگی یا شوراهای اسلامی یا هیأت های ۷ نفره یا دلسراها و دادسراها گرفته شده و بدون اینکه مداره شود، تقسیم گشت و فلاح در دست آنان میباشد و همچنین زمینهای که مالکین آنها به جمی از جهات، مخفی و یا فراری بودند و مردم خودشان زمینها را تصرف کرده و تاکنون گشت می کنند و الان آن مالکین قرار می گیرند و بازرگین درگردد و برای رسیدگی به دادگاهها و دلسراها مراجعه میکنند که گاهی یا کمتر به استناد سند مالکیت که در دست آنها هست، رای به تخلیه و رفع بد صادر می کنند و این امر موجب اخلال در امر کشاورزی شده و گرانترها و غراحتی های زیادی را بمنیال داشته است، از طرفی ضوابط و قوانین سابق تا حدود زیادی با تعویب قانون اساسی و ضوابط اسلامی قابل انطباق نبوده و رسیدگی به این امور و نگاه انظار شخصی، دادگاهها بدون قانون مدون موجب اخلال در امر روستاهای کشور و اقتصاد و کشاورزی می گردند و قانون جدید درباره اراضی مزرعی در مجلس شورای اسلامی مطرح است، لذا به دادگاهها و دلسراها ابلاغ میشود تا تصویب قانون زمینهای مزرعی که بمنظر میرسد زیاد هم طول نکشد، رسیدگی به این گونه پروندهها را به تعویق اندازند و اگر رای داده شده ولی هنوز اجراء نشده است، تا تعیین تکلیف از طرف مجلس از اجرای آن خودداری شود.

شورای عالی قضائی
سید عبدالکریم موسوی اردبیلی

نشینان است، که سند مالکیت پینه دست آنها " بود! " به "دادگاهها" (دادگاههای در خدمت کسی؟) شکایت می کنند، در ادامه مطلب، بخشنامه اعتراف می کند، که این دادگاهها "گاهی یا اکثرا" "رای به تخلیه و رفع بد" (اشتباه ننگیداز مظلومان و نه از ظالمسان!) صادر می کنند.

رای این پیدا دادگاهها، که با وجود "طاغوت زدانی" ماهها پیش، بنا به تصریح بخشنامه فوق الذکر هنوز بر مبنای "ضوابط و قوانین سابق" صادر می شود، به اعتراف تسلیم طلبان در همین بخشنامه، فقط "تا حدود زیادی" "نه کلا" "با ما در تمام قوانین جمهوری اسلامی ایران، که قانون اساسی آن باشد، در تضاد است!

بدیهی است، که با چنین موضع ماسا تاگران با بزرگ زمین داران و تسلیم طلبی در مقابل آنها چاره ای هم جز قربانی کردن منافع زحمتکشان روستاد رپای آنها باقی نمی ماند.

هر انسانی که به این راه قدم بگذارد اجبارا زمین را از زیر پای امکانات خود برای تأمین عدالت اجتماعی خالی می کند، چاره ای هم ندارد جز بفراموشی سپردن تعهدات و گفته های خود در مقابل خلق، از جمله آنکه "سند مالکیت بر زمین، پینه دست دهقانان" است و نه "سند جعلی غارتگران!

فقط با جدا شدن از منافع زحمتکشان می توان تب انقلابی را با لرز تسلیم طلبی عوض کرد و به جای تثبیت حق دهقانان در حفظ زمینهای تقسیم شده، به تعویق حکم باز پس گرفتن زمینها قناعت کرد.

"تصویب قانون زمین های مزرعی" و تعیین تکلیف (آن) از طرف (این) مجلس، "آنطور که بخشنامه وعده آن را می دهد، راه دورتری از قانون مالک و مستاجر نخواهد رفت. زیرا سببی که از درخت به زمین می افتد، دراز تنه درخت خود نخواهد افتاد! ○

چنین در بخشنامه تصریح می شود که "آن مالکین فراری و مخفی" که بازگشتند "به استناد به سند مالکیت که در دست آنهاست" (از کجا آورد مانده؟) علیه "زارعین" (منظور کمسوخ

گسترش همبستگی بین المللی برای نجات جان زندانیان توده‌ای

بقیه از صفحه ۱
کندن ریشه، بیداد و جور ستم، راسخ تر خواهد کرد.

محافل مترقی فرانسه یکصدان نجات جان رفقای توده‌ای در بند را طلب می‌کنند

در روز هفتم ژوئن (۱۷ خرداد ماه)، در جلسه بحث و گفتگویی که از طرف حزب کمونیست فرانسه در زمینه مسائل سیاست روز فرانسه و جهان، با شرکت ژیزل، مرورو عضو کمیته مرکزی و آندره لاژوانی رئیس فراکسیون کمونیست‌ها در پارلمان فرانسه و عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه در پاریس برگزار شد، قطعنامه‌ای با توافق آراء، در مورد دستگیری و شکنجه رهبران و اعضای حزب توده ایران بتصویب رسید. حاضرین که تعداد آنان به بیش از ۵۰۰ نفر میرسید، حمایت خود را از زندانیان توده‌ای اعلام داشتند و آندره لاژوانی، بر همبستگی عمیق حزب کمونیست فرانسه با حزب توده ایران، تأکید ورزید. گوشه‌هایی از قطعنامه به شرح زیر است:

" ما نگرانی عمیق و انزجار شدیدی خود را نسبت به وقایع اخیر ایران، ابراز می‌داریم. در برابر دستگیریهایی وسیع مبین پرستان و خطری که بویژه جان رهبران و اعضای حزب توده ایران، این مدافعان سرسخت انقلاب را تهدید می‌کند، در استان مردم ایران در سراسر جهان، نمیتوانند بی تفاوت باشند. ما اعضا و خواداران حزب کمونیست فرانسه و دمکراتهای حاضر در این مجمع، شکنجه‌های وحشیانه‌ای را که در مورد سرسخت‌ترین مدافعان انقلاب مردمی ایران اعمال میشود، شدیداً محکوم می‌کنیم و خواهان پایان دادن به سرکوب علیه حزب توده ایران و آزادی بلاد رنگ رهبران و اعضای آن و بویژه نوزادین کیانوری، دبیر اول آن می‌باشیم."

● کمونیستهای انستیتوی نفت فرانسه، در تلگرامی که به سفارت ج ۱۰۱۰ در پاریس مخابره نمود، خواستار قطع فوری شکنجه‌های جسمی و روانی رهبران و فعالین حزب توده ایران گشته‌اند.

● اتحادیه ایالتی ژنو (کنفدراسیون عمومی کار) در سن ولووار، بنام کارگران این مناطق، طی تلگرامی به مقامات مسئول ج ۱۰۱۰، خواستار نجات جان نوزادین کیانوری دبیر اول حزب توده ایران و آزادی کلیه دمکراتهای در بند، گردیده است.

● حزب کمونیست فرانسه، در شهر یزانسون، طی انتشار یک اطلاعیه مطبوعاتی، به بررسی حوادث اخیر در ایران پرداخته و دستگیری و شکنجه رهبران و اعضا حزب توده ایران را غیر قابل توجیه و بمثابة پشت کردن به منافع خلق

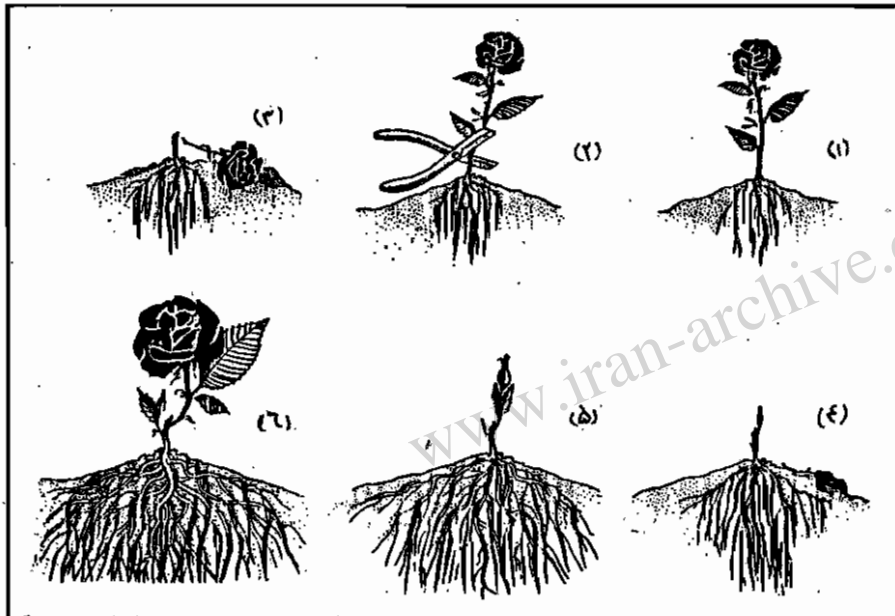
ایران، ارزبایی نموده است. جوانان و دانشجویان کمونیست فرانسه در این شهر نیز، ضمن محکوم کردن تضییقات بر علیه حزب توده ایران و اعضای آن، صراحتاً خواهان آزادی کلیه زندانیان توده‌ای و لغو ممنوعیت حزب می‌باشند.

فعالتهای گسترده جهت نجات جان مبارزین توده‌ای

● روز جمعه دهم ماه ژوئن جاری (بیستم خرداد ماه)، بدعوت انجمن یونانیان شهر فرانکفورت جلسه‌ای در محل این انجمن، با حضور نمایندگان حزب توده ایران تشکیل شد.

تن از کمونیستهای آلمان فدرال شرکت داشتند، حاضرین با ابراز همبستگی با حزب طبقه کارگر ایران و مبارزین زندانی، برای اقدامات عاجل دفاعی جهت نجات جان آنان، تأکید نمودند. همچنین، در گرد هم آیی‌های وسیع نمایندگان کمونیست بخشهای مختلف در شهرهای هایدلبرگ، مانهایم، کایزر لوترن، هابورگ و ماریبورگ - بیدن کف، قطعنامه‌هایی در این زمینه بتصویب رسید که در آنها ضمن محکوم کردن رفتار وحشیانه با مبارزین از جان گذشته توده‌ای، اعزام سریع هیأت ناظری مرکب از حقوق دانان و پزشکان، جهت دیدار با زندانیان، خواستار گردیده است.

● گروه فلسطین - لبنان شهر تویبینگن، طعی



که در آن به دنبال توضیحات رقفا در مورد وقایع اخیر کشورمان فیلم "اعترافات" تلویزیونی، نمایش مسخره شکنجه گران اوین، بمعرض نمایش گزارده شد که حاضرین را سخت تحت تأثیر قرار داد. پس از بحث در این زمینه، شرکت کنندگان آمادگی خود را در زمینه اقدامات عملی سریع جهت نجات جان قربانیان این نمایش شوم، اعلام نمودند. از جمله این اقدامات، اعضای کارتهای اعتراضی بود که به سفارت ایران در بن ارسال گردید.

● روز شنبه یازدهم ماه ژوئن، رفقای حزب توده ایران، در جلسات نمایندگان بخشهای مختلف حزب کمونیست آلمان در شهرهای مونیخ و فرانکفورت شرکت کردند و با سخنرانی توضیحی خود، وقایع اخیر ایران را در رابطه با هجوم راستگرایان به دستاورد های انقلاب و نهادها و تجاوز به ابتدائیترین حقوق دمکراتیک در کشور و حمله وحشیانه به حزب توده ایران، دستگیری و شکنجه رهبران و اعضای آن، مورد تحلیل قرار دادند. در این جلسات که صد ها

ارسال نامه‌ای به سفارت ج ۱۰۱۰ در بن، به توطئه‌های امپریالیسم در منطقه بویژه جهت ناپودی انقلاب ایران، اشاره کرده و تهاجم وسیع علیه حزب توده ایران و بازداشت رهبران و اعضای آنرا بمثابة بخشی از این توطئه ها دانسته و آنرا شدیداً محکوم نموده است. بخش صحه "سیا" ساخته "اعترافات" رهبران حزب، بشدت مورد تقبیح قرار گرفته و پایمان دادن به اعمال وحشیانه در مورد مبارزین توده‌ای، زندانی و آزادی آنان خواستار گردیده است.

● کمیته همبستگی با مبارزات ضد امپریالیستی خلقهای جهان در آلمان فدرال، دستگیری و شکنجه رهبران و اعضا حزب توده ایران و نمایشات تلویزیونی "اعترافات" را بشدت مورد تقبیح قرار داده و این اعمال را در خدمت منافع امپریالیسم ارزبایی نموده است و از این جهت رفع تضییق فوری از حزب و اعضای آن و آزادی بلاد رنگ زندانیان توده‌ای، این حاملین درفش بقیه در صفحه ۱۴

همبستگی همه جانبه شخصیت‌های برجسته سیاسی بین‌المللی با حزب توده ایران

پشتیبانی از اهداف مردمی خود، وفادار خواهد بود. امروز، کمونیست‌های ایران، مانند سابق بخاطر دفاع از منافع خلق خود استقلال و آزادی میهنشان مبارزه می‌کنند. کمونیست‌های شیلی، مراتب همبستگی همه جانبه خود را با اعضا حزب توده ایران ابراز داشته و خواستار حفظ جان آنان، محترم شمردن حقوق و آزادی آنان هستند.

سخنان کنسول الجزایر در تولوز

در نشستی که در محل کنسولگری جمهوری الجزایر در تولوز، به درخواست هواداران حزب توده ایران انجام گرفت، کنسول این کشور در مقام حمایت همه جانبه از انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ۲۲ بهمن و نیروهای ملی و دمکراتیک ایران، نگرانی خود را از چرخش ارتجاعی در سیاست جمهوری اسلامی ایران اظهار داشت.

وی ضمن بر شمردن تجربیاتی از انقلاب رهائی بخش الجزایر، اظهار نمود:

" تجربه به ما می‌آموزد که هیچ انقلابی بدون تکیه بر زحمتکشان در داخل کشور و دوستی و نزدیکی با متحدان خارجی، یعنی کشورهای سوسیالیستی، جنبش‌های آزاد بیخشم ملی و نیروهای مترقی سراسر جهان، نمی‌تواند به سیرظفر نمون خود ادامه دهد."

وی در بخش دیگری از سخنان خود گفت:

" ما نیز در دوران انقلاب، مراحل دردناکی را پشت سر گذارده ایم و اکنون با قاطعیت از آنان می‌کنیم، که انقلاب به فرزند آن خود نیازمند است و در غیر اینصورت، خطر شکست و ناپودی، آنرا تهدید می‌کند."

کنسول الجزایر، ضمن تأکید بر این اصل که کشورش تاکنون بارها سعی نموده که توطئه‌های امپریالیسم و ارتجاع، علیه انقلاب ایران را خنثی کند، چنین اظهار کرد:

" دولت الجزایر، با وقوف به این امر که عراق به تحریک آمریکا به خاک جمهوری اسلامی ایران تجاوز کرده است، تلاش‌های فراوانی کرد که پس از آزاد شدن مهمترین بخش سرزمین‌های اشغالی ایران از زیر نفوذ ارتش عراق به پایان یافتن این جنگ فرسایشی خانمانسوز باری رساند و حتی وزیر امور خارجه الجزایر برادر بن یحیی، در این راه شهید گشت."

وی در پایان خاطر نشان ساخت که از هیچ کوششی برای شرکت در کارزار همبستگی با میهن پرستان مبارزی که در زندان‌های ایران پسر می‌یزند، دریغ نخواهد کرد و دولت متبوعش راهم بلافاصله در جریان این نشست و نتایج آن خواهد گذارد.

ما آزادی بلاد رنگ رهبران و اعضای حزب توده ایران را خواستاریم. ما خواهان آنیم که به این مبارزین امکان داده شود، در برابر افکار عمومی، دشمنان واقعی مردم ایران را فاش و رسوا سازند. طبقه کارگر ایران نیز که ظلم و ستم دوران استبدادی شاه را تحمل کرده، خواهان این امر است."

همبستگی کمونیست‌های شیلی با حزب توده ایران و مبارزین در بند آن

اورلاندو میلیاس، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست شیلی، طی بیاناتی، خاطر نشان ساخته است:

" بر مبنای تصمیمی که توسط کمیسیون سیاسی حزب کمونیست شیلی اتخاذ گردیده است، ما موریت رسمی داریم، درودهای گرم و صمیمانه کمونیست‌های کشورم را به رهبران و اعضای حزب قهرمان و برادر، حزب توده ایران، حزب کمونیست‌های ایران و مردم آن کشور تقدیم داریم."

اقتدار و طبقات مختلف مردم شیلی کسه در حال حاضر درگیر مبارزه سختی بر ضد دیکتاتور فاشیستی در این کشور می‌باشند، خشم و انزجار خود را از پیگرد و فشار و تنبیقات وارد به حزب توده ایران، و اعضای آن، ابراز می‌دارند. حزب توده ایران، نقش بسیار موشی در مبارزه با عقب ماندگی و ستگری و هز نوع استثمار مردم، در ایران داشته و اعضای آن بی‌انگتر مترقی ترین و دمکراتیک ترین اعتقادات مردم ایرانند.

ما یقین داریم، که این حزب، بطریق هرگونه فشار و تنبیق، به آرمانهای کلی خود، مبنی بر

سخنان موزیس مادیداس، دبیرکل حزب کمونیست آفریقای جنوبی در دفاع از حزب توده ایران

موزیس مادیداس، دبیرکل حزب کمونیست آفریقای جنوبی و یکی از شخصیت‌های برجسته جنبش آزاد بیخشم ملی این کشور، ضمن ابراز تأسف از جریان دستگیری و شکنجه‌های وحشیانه رهبران و اعضای حزب توده ایران، چنین اظهار داشته است:

" رهبری جمهوری اسلامی، اعضای حزب توده ایران را متهم به جاسوسی کرده است. این اتهام مبتذل و پیش پا افتاده، برای اولین بار نیست که علیه کمونیست‌های جهان اقامه میشود، بلکه حربه کهنه‌ای است که بارها علیه آنان و حزب زحمتکشان بکار گرفته شده و میشود. سابقه مبارزات رفقای حزب توده ایران، پر همه کس روشن است. آنان بر علیه رژیم شاه مبارزه کردند و در پیروزی انقلاب مردمی ایران نیز سهم بسزائی داشته‌اند. این مبارزین اکنون همانند دوران دیکتاتوری شاه، مورد پیگرد و آزار مقامات ایرانی قرار گرفته‌اند."

کارگران جهان، ضمن ابراز انزجار از این اعمال، اتهامات ناذب و بی‌اساس بر علیه این مبارزین واقعی راه زحمتکشان را با قاطعیت رد می‌کنند. ما اعضای حزب کمونیست آفریقای جنوبی به همراه کلیه افراد شرافتمند جهان، بدفاع از رفقای ایرانی خود بر میخیزیم.

ما حمایت بیدریخ خود را از مردم ایران و زحمتکشان این کشور و حزب آنان، حزب توده ایران، اعلام می‌داریم. ما مصراحتاً خواستار آزادی کارگرانی هستیم که توسط مقامات جمهوری اسلامی ایران، بزندان افکنده شده‌اند.

محافل دمکراتیک و مجامع مترقی زنان در

بقیه از صفحه ۱۰

سرپرست کمیسیونی مرکب از پزنتکان و حقوقدانان را، با ایران، جهت بازدید از این مبارزین و اطلاع از وضع آنان راه، خواستار شده‌اند.

سایر امضاء کنندگان تلگرام فوق، بشرح زیرند:

- اتحادیه عمومی دانشجویان دانشگاه زیگس
- اتحادیه عمومی دانشجویان عرب، اتحادیه دانشجویان سوسیالیست، اتحادیه دانشجویان کمونیست، اتحادیه دانشجویان فلسطینی.
- سازمانهای زیر در شهر فرانکفورت (آلمان فدرال)، بیانیهای بتصویب رسانده‌اند که در آن دستگیری و شکنجه مریم فیروز و سایر میهن پرستان ایرانی، شدیدا محکوم و آزادی بلاد رنگ

آنان خواسته شده است:

- زنان حزب کمونیست آلمان، زنان ترکیه، عضو فدراسیون اتحادیه‌های کارگری ترکیه در آلمان فدرال
- جنبش دمکراتیک زنان پرتغال MDN
- کمیته زنان خارجی و آلمانی.

برلن غربی

اتحادیه زنان دمکرات برلن غربی، طی ارسال اعتراض نامه‌هایی به مسئولین جمهوری اسلامی ایران، بازدید غیرقانونی و شکنجه مریم فیروز و سایر آزاد یخواهان را - مغایر با موازین حقوقی

بقیه در صفحه ۱۶

امپریالیسم آمریکا و وحدت خلق فلسطین را نشانه گرفته است

افراطی جلوی تحقق طرحهای واقع بینانه موجود را می گیرند، نیز هیچ خدمتی به حل مسئله فلسطین نمی کرد.

در چنین وضعیتی اجلاس شانزدهم شورای ملی فلسطین با وجود تمام مشکلات موجود تلاش برای حفظ وحدت میان صفوف خود را نمایان ساخت.

طرح مرحله بندی شده امپریالیسم برای به زانو در آوردن خلق فلسطین و محور این خلق زجر کشیده از صفحه روزگار با سازش لبنان و صف آرائی نظامی با سوریه به مرحله حساسی رسید.

امپریالیسم و صهیونیسم کوشش کرده و می کنند که قبل از هر درگیری، در صفوف طرف مقابل تفرقه ایجاد کنند تا خود با خیال راحت بهنگام برخورد های داخلی بطور خزنده و در موقع ضرورت با ضربای ناگهانی نقشه های خود را عملی سازند. این تاکتیک در تاریخ درگیریهای خاور میانه پدید آمده نوی نیست.

اینبار امپریالیسم و صهیونیسم وحدت ملی خلق فلسطین را نشانه رفته اند. وحدتی که می تواند استقلال کامل خلق فلسطین را در تعیین سرنوشت خود حفظ کند. وحدتی که پایه و اساس تکامل آتی انقلاب فلسطین را تضمین کرده و میتواند جای خالی مرکزی واحد یعنی بیروت از دست رفته را پر کند.

امپریالیسم آمریکا، اسرائیل و ارتجاع عرب می کوشند به موازات تفرقه افکنی در میان صفوف مبارزان فلسطین، مناسبات این نیروها با کشورهای مترقی عرب از جمله و خصوصاً سوریه و لیبی را نیز تیره سازند. مناسباتی که بارها توسط سوریه، لیبی و سازمان آزاد یبخش فلسطین، مناسبات استراتژیک نامیده شده و حفظ و گسترش آن بشا به سلاح تأمین پیروزی بر اسرائیل تجاوزگر مورد تأیید قرار گرفته است.

حوادث تأسف بار اخیر در منطقه، تشتت در سازمان الفتح، و بروز اختلافات این سازمان با کشورهای سوریه و لیبی را باید در چارچوب تحول اوضاع در منطقه و توطئه های امپریالیستی برای شکستن ستون فقرات جنبش خلق فلسطین و تأمین سلطه اسرائیل و نهایتاً امپریالیسم آمریکا در منطقه بررسی کرد.

چنانکه بارها از طرف نیروهای مختلف فلسطینی، از جمله یاسر عرفات اعلام گشته است، تأمین اتحاد میان گردانهای رزمنده خلق فلسطین و اتحاد اعراب تنها راه تأمین پیروزی انقلاب فلسطین است.

تصمیم اخیر "جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین" به رهبری نایف حواته و "جبهه خلق برای آزادی فلسطین" به رهبری جرج حبش مبنی بر ایجاد فرماندهی سیاسی و نظامی مشترک دو سازمان را باید به مثابه کوششی جدی از طرف این دو گردان رزمنده خلق فلسطین قلمداد کرده و از آن استقبال کرد. وحدت خلق فلسطین باید همچون مردمك چشم حفظ شود.

می کوشند تا دستاورد های معنوی سیاسی خلق فلسطین در صحنه بین المللی را دفن کرده و با وارد ساختن جو ناامیدی و تشتت در آنها شکست سیاسی خود را رفوع به خیال خود به "مسئله فلسطین" خاتمه دهند.

امپریالیسم کوشش می کند از هر طرف به خلق فلسطین فشار وارد سازد و در جنبش مقاومت خلق فلسطین تفرقه ایجاد کند و گردان های مبارز آنرا در مقابل هم قرار دهد، کوشش امپریالیسم آن است که نیروهای جنبش فلسطین را به جای پرداختن به مسئله اصلی، یعنی مقابله با دشمن صهیونیستی - امپریالیستی، به مسائل درونی و غیر عمده متوجه سازد حتی هدف این بود تا به خلق فلسطین اجازه بازسازی نیروی خود و صف آرائی تازه در مقابل دشمن اصلی، صهیونیسم و امپریالیسم داده نشود.

طرح ریگان برای به اصطلاح حل مسئله فلسطین نه تنها مانوری فریب کارانه است، بلکه هدف آن کشاندن بخشهایی از جنبش خلق فلسطین به سازش و پذیرش شروط دشمن را نیز دنبال می کند.

فشارهای نظامی و سیاسی از سوی آمریکا، اسرائیل و کشورهای مرتجع عرب در خدمت این سیاست اعمال می شود.

بطور مثال پس از سال ۱۹۸۱، عمده منابع مالی سازمان آزادی بخش فلسطین را از جمله عربستان سعودی، کویت، قطر و ... تشکیل میدادند. هدف این کشورها از دادن کمک مالی به این سازمان نه یاری رساندن به آنچه برای تأمین هزینه های مبارزه، بلکه استفاده از آن در راه مقاصد شوم خود بوده و هست.

از طرف دیگر کوشش برخی کشورهای دیگر عربی در تشکیل فراکسیونهای متقابل به خود در درون جنبش خلق فلسطین، که با طرح شعارهای

اوضاع خاور نزدیک و میانه در پی اشغال لبنان توسط اسرائیل، که با حمایت مستقیم امپریالیسم آمریکا انجام گرفت و منجر به خسر و ج میارزین فلسطینی از بیروت شد، بسیار متزلزل گشته و احتمال بروز برخورد های جدی در این منطقه افزایش یافته است.

اسرائیل تجاوزگر، که از پشت گرمی آمریکا برخوردار است، می کوشد با تهدیدات خود علیه سوریه این کشور را نیز در پی لبنان به انعقاد قرارداد های اسارت بار مجبور سازد. امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم اسرائیل در نظر دارند با وخیم تر ساختن اوضاع منطقه و تأمین سلطه خود، این منطقه را به تخته پرشی برای سرکوب تمام جنبش های منطقه بدل نموده و بویژه انقلاب مردم محروم و زجر کشیده فلسطین را سرکوب کنند.

سرکوب جنبش استقلال طلبانه خلق فلسطین یکی از اهداف عمده تجاوز اسرائیل به لبنان را تشکیل میداد. امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم اسرائیل که با وجود دست زدن به توطئه های گوناگون نتوانسته بودند مقاومت خلق فلسطین را بشکنند، اینبار طرح وارد ساختن ضربه سخت نظامی و متعاقب آن ایجاد تزلزل سیاسی میان انقلاب فلسطین را تدارک دیدند. حمله به لبنان، محاصره بیروت و خروج اجباری مبارزین فلسطینی از این شهر، که یکی از پایگاه های عمده انقلاب فلسطین محسوب می شد، باعث بوجود آمدن شرایط جدیدی در منطقه خصوصاً برای گردانهای رزمنده خلق فلسطین گشت. جنبش مقاومت خلق فلسطین مجبور به تترك شهری شد که بهیچ وجه قابل جانمایی نیست. و باین ترتیب واحد های مبارزان جنبش فلسطین در کشورهای مختلف عربی پراکنده شدند.

امپریالیسم آمریکا، اسرائیل و ارتجاع عرب

اعتصاب عمومی در شیلی

شده به نقطه در افتاده ای از کشور تبعید شدند. تمام نقاط استراتژیک و مهم سانتیاگو از جمله دانشگاه این شهر به اشغال پلیس تا دندان مسلح درآمد.

پنج حزب شیلسی، از جمله حزب کمونیست این کشور، مردم شییلی را فراخواندند تا همبستگی خود با کارگران اعتصابی را تقویت کنند. در بیانیه مشترکی که از طرف این احزاب منتشر گردید آمده است که مرحله کنونی در مبارزه طبلاسی علیه دیکتاتوری در شیلی و سرنگونی آن نقش تعیین کننده ای دارد.

مرکز سندیکائی شییلی نیز طی اعلامیه ای با اشاره به رشد مبارزه متحد کارگران اظهار داشته است که "شییلی به این وحدت برای پایان دادن به استبداد و پی ریزی آزادی واقعی و پایدار در کشور نیاز حیاتی دارد."

صد ها هزار زحمتکش شییلیائی، در اعتصاب عمومی، که از طرف "فرماندهی ملی زحمتکشان" فراخوانده شده بود، شرکت جستند. اعتصاب ۹۰ درصد کارکنان حمل و نقل عمومی، بخش جنرالی کشور را فلج ساخت. سندیکا های اعتصابی و اتحادیه شرکت های حمل و نقل خواستار آزادی رهبران بازداشت شده سندیکاها، بازگرداندن کارگران اخراجی به کار و لغو تمام محاکمات غیرقانونی علیه فعالین سندیکاها، و رفع سانسور مطبوعات شدند.

کلیسای کاتولیک شییلی نیز حق کارگران برای اعتصاب، داشتن سازمانهای قانونی سندیکائی و آزادی بیان را مورد تأیید قرار داد.

رژیم پینوشه در جواب اعتصاب عمومی کارگران به اقدامات تشییعی خود شدت بیسابقه ای بخشید. سه تن دیگر از رهبران سندیکاها از جمله رهبر سندیکای کارگران ساختمانی بازداشت

نگرانی مردم ایران از آینده کشور

بقیه از صفحه ۱۳

فرانسه، ایتالیا، ژاپن، آلمان غربی و آمریکا مطرح شد. در این جلسه وزیر امور خارجه ژاپن اظهار داشت ایران "یک سیاست واقع-بینانه‌ای" در زمینه خروج از "انفراد" و نزدیکی به غرب در پیش گرفته است.

به نوشته "رالد تریبون" آقای حسین کاظمی اردبیلی معاون وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی در مسافرت ۱۴ روزه خود به ژاپن در این زمینه با وزیر امور خارجه ژاپن مذاکره خواهند کرد. چنین برخورد دول امریالیستی به رویداد های اخیر ایران بیانگر همگونی مواضع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی حکام جمهوری اسلامی با امریالیسم جهانیست.

بسرکردگی امریالیسم آمریکا است. شند گرچه سران جمهوری اسلامی سخت می‌گویند هیستری ضد توده‌های، ضد کمونیستی و ضد شوروی را جدا از موضع امریالیسم آمریکا در عرصه بین‌المللی جلوه گر سازند، ولی کیست نداند، رویداد های اخیر ایران و از آنجمله غیر قانونی کردن حزب توده ایران در راستای همان کمونیسم ستیزی است، که امکان پذیر می‌گردد.

و اما کمونیسم ستیزی در کشور ما پدیده تازه نیست. مدت‌ها ساواک هسته مرکزی کمونیسم ستیزی را در ایران تشکیل میداد و همه آنانیکه در دوران شتم شاهی به نحوی دست اندرکار شاه توده‌های ستیزی و کمونیسم ستیزی بودند، همکاری نزدیک با این سازمان جهانی داشتند. در آن ایام مبارزه ایدئولوژیک بعثابه یکی از شیوه‌های اختناق افکار مورد توجه خاص بود. پیکار ایدئولوژیک به قصد تحریف مارکسیسم-لنینیسم و منک کردن آن در کشور منتهی گامهای فاشیستی و اعدا مها با پی گیری تعقیب می‌شد. حتی نظر اجمالی به نوشته‌ها مطبوعات و کتب عذیده در رژیم گذشته، که بدون استثناء از سازمان امنیست می‌گذشت، وجود خط‌مستر ضد کمونیسم و ضد شوروی را به ثبوت می‌رساند. برای نمونه می‌توان از "استراتژی بین‌المللی" و "درسهای درباره مارکسیسم" نوشته جلال‌الدین فارسی، "تخاصرات سیاسی خلیل ملکی"، "مارکسیست‌ها" نوشته ف. قاشمقایی، "تاریخ سوسیالیسم - زندگی و آثار مارکس و انگلس" نوشته ماشمی قوچانی، و ترجمه‌های کتب تئوریکین هسای، بورژوازی در دردت تئوری و پراتیک مارکسیسم - لنینیسم و نیز مقالات مندوچ در روزنامه‌های اطلاعات و کیهان یاد کرد. هیچ یک از این باصطلاح مؤلفین فکر بگری ارائه نکرده‌اند. افرادی عامی و بیسواد با استفاده از نوشتار مبلغین امریالیسم، مارکسیسم - لنینیسم را به مبتذلانه‌ترین طریقی مورد تاخت و تاز قرار داده و با سرهمبندی "تشریهای"

بی پیوند با مارکسیسم، علا هم آفوشی ذهنی ناپاک با امریالیسم را به ثبوت می‌رسانند.

مثلا، جلال‌الدین فارسی در کتاب "درسهای درباره مارکسیسم" با توسل به جعل آشکار و انتساب دروغین آن به مارکس و انگلس و لنین و یا بیرون کشیدن یک اندیشه از متن اصلی و تفسیر خود سرانه و تحریف آمیز آن "درسنامه" ای "تنظیم کرده، که "درسهای ضد مارکسیسم" است. جالب است، که وی این اثر "خود را در شهریور ماه ۱۳۵۴ در خراج ترور و اختناق حاکم بر ایران، تحت اجازنامه شماره ۸۴۱ دستگاه سانسور ساواک منتشر ساخته است. و این فقط نمونه‌ای از مبارزات "انقلابی" جلال‌الدین فارسی، یکی از مهر های با نفوذ جمهوری اسلامی ایران در دوره رژیم شاه می‌باشد.

ضد کمونیست‌های حرفه‌ای تعلیم دیده در مکتب ساواک، که در ماههای نخست بعد از انقلاب ترس خشم و نفرت توده‌های زحمتکش هر یک به گوشه‌ای خزیده و دم فرو بسته بودند، پس از آغاز فعالیت مجدد مامورین ساواک در ارگانه‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی و جان گرفتن روحانیون راستگرا و رسیدن نیروهای تاز نفس‌تربیت شده در ایالات متحده آمریکا دوباره روی صحنه ظاهر شدند. رسانه‌های گروهی از "اطلاعات"، "جمهوری اسلامی"، "کیهان" "پیام انقلاب" و غیره گرفته تا رادیو و تلویزیون و مساجد به جولانگاه آنان تبدیل شد.

تلیخات ضد کمونیستی و ضد شوروی در ایران وقتی به اوج رسید، که رونالد ریگان "جنگ صلیبی" علیه کمونیسم و اتحاد شوروی را اعلام کرد. عمال امریالیسم آمریکا در ایران با الهام از ارباب، در شاه توده‌های ستیزی و شوروی ستیزی مسابقه گذاردند و برای اینکه نظرات سطح خود را "مستند" وانمود سازند به نقل قول از یکدیگر می‌پردازند.

سید عطاالله مهاجرانی نماینده مجلس و نویسنده اراجیف ضد توده‌های و ضد شوروی در "اطلاعات" برای اثبات حقانیت خود از نوشتار سراپا تحریف و دروغ جلال‌الدین فارسی و خلیل ملکی مدد می‌گیرد و جلال‌الدین فارسی متقابلا در سخنرانیهایش دست پداسمان عطاالله مهاجرانی می‌شود. در عمل هم هر دو آنان و هم نویسندگان "اطلاعات" و جمهوری اسلامی و "پیام انقلاب" و غیره طوطی وار آنچه استاد ایل گفت بگو می‌گویند. همصدای این آقایان با امریالیسم در عرصه کمونیسم ستیزی نه ادعا، بل حقیقت عریان است.

اظهارات نخست‌وزیر انگلستان را در سال ۱۹۸۰ بخاطر آورد. وی در آن ایام صریحا گفت، باید چنان کارزار تبلیغاتی علیه گسترش کمونیسم آغاز کرد، که در تاریخ بیسابقه است (مورنینگ استار ۵/۷/۱۹۸۰) متعاقب

آن تزه‌های رونالد ریگان پیرامون "از بین بردن سوسیالیسم بعثابه سیستم جهانی" حذف کمونیسم بعثوان پدیده غیر عادی و غیر طبیعی در تاریخ بشر" و "انداختن مارکسیسم - لنینیسم به زیالده آن تاریخ" مطرح شد. سپس کشورهای عضو پیمان تجا و زکار ناتو، بر پایه این تزه‌های سخیف "جنگ روانی" در مقیاس جهانی را سازمان دادند.

در اوت ۱۹۸۱ رونالد ریگان برنامه ویژه "حقیقت" را که می‌توان و باید "دروغ" نامید به تصویب رساند که محتوی آن تهمت بیشرمانه به سیاست خارجی و نظام اجتماعی - سیاسی اتحاد شوروی و تبلیغ "طرز زندگی آمریکائی" بود. این برنامه می‌بایست به تدریج در تمام جهان و از جمله کشورهای رشد یابنده بموقع اجرا در آید.

دولت ریگان، که شوروی ستیزی را محسور استراتژی خود در سیاست خارجی قرار داده بود، کوشید مبارزات آزاد بیخس در سراسر جهان را بعثابه "توسعه طلبی" اتحاد شوروی جلوگر سازد، سعی کرد مشکلاتی را که صدها میلیون انسان در سراسر جهان با آن روبرو هستند، نه زائیده سیاست ضد بشسری امریالیسم، بل نتیجه سیاست باصطلاح بسط منطقه نفوذ شوروی معرفی کند.

حال به بنیمن ضد کمونیست‌های حرفه‌ای در ایران چه می‌گویند و چه می‌نویسند. سید عطاالله مهاجرانی در سلسله مقالات ضد توده‌های و ضد شوروی بدون اندکی کم و کاست گفته‌های مبلغین امریالیسم را تکرار می‌کند. مثلا، او می‌نویسد، گویا حکومت شوروی در سیاست خارجی خود حرفه‌های را دنبال نموده است، که بنظر وی عبارتند از "تقویت بنیه نظامی شوروی، توسعه قلمرو شوروی و بسط منطقه نفوذ شوروی". نویسنده بدون احساس هیچگونه مسئولیتی همه کشورهای سوسیالیستی را "قلمرو" شوروی می‌نامد و می‌افزاید، اتحاد شوروی به "بسط نفوذ از طریق احزاب کمونیست و دولت‌هایی که با کودتای روسی روی کار می‌آیند" می‌کوشد. آقای مهاجرانی ادعا می‌کند که کشورهای بیطرف هم بکدست در "منطقه نفوذ شوروی قرار دارند" (اطلاعات ۲ خرداد ماه ۶۲).

آیا نویسنده "مسلمان" و "متعهد" برای اثبات نظرات سخیف خود دلیل، مدرک و نمونه‌ای ذکر می‌کند؟ اصلا و ابدا! او مامور تکرار ترهات سرهمبندی شده توسط "مراکز پژوهشی" ضد شوروی غرب است. روسها در کدام کشور کودتا کرده‌اند؟ سید عطاالله مهاجرانی آشکارا اتحاد شوروی را جایگزین ایالات متحده آمریکا می‌کند. زیرا همسایه می‌دانند، کودتا از شیوه‌های سیا است.

۱۰ سال از شهادت رفیق هوشنگ تیزابی گذشت تیزابی: قهرمانی دیگر از تبار شهیدان توده‌ای



افسار گسیخته در همه جا حکم میراند، تیززایی دست به انتشار نشریه‌های مخفی و سیاسی بنام "پسوی حزب" زد. او میخواست تا جوانان را تجربه تلخ او را در یافتن راه از بیراه تکرار نکنند. او این تجربه را همواره با افسوس بنه یاد می‌آورد:

"کلاه گشادی سرما گذاشته بودند؛ به ما تزریق کرده بودند که حزب توده یک دکان سیاسی است. یک دکان سیاسی که با اشاره انگشت کوچک استالین بوجود آمده. سرگذشت چند تا رهبر عاجز و زیون و یک مشت سیا هبی-لشکر بی بو و خاصیت را بجای شناسنامه تمام عیار یک حزب کبیر، حزب شهیدان و قهرمان‌ها به ما قالب کرده بودند. بی‌شرفها چه تردستانند! ما از این منظره احساس تهوع میکردیم، اما وقتی خودمان را از دست رسوبات تبلیغاتی، که ذهن جامعه روشنفکری را پر کرده بود، رها ندم روزیه و سیامک و وارطان و شوشتری و آرسن را یافتیم، مشری و وکیلی و محقق زاده و هزاران قهرمان گنم را کشف کردیم. میراث جاودانی از تعالیم مارکسیسم - لنینیسم را که با تاریخ میهن ما آمیخته و هزاران هزار آتش زیر خاکستر بجا گذاشته، باز یافتیم و در چهره حزب، چهره قهرمانان و آرشهای زند موبیدار برای اثبات فعالیت یک حزب رزمجو کافی بودند. آنگاه از قضاوت خود شرمناک شدیم."*

بقیه در صفحه ۱۵

زندگی خود چیزی مهلك تر از نیش افعی و زهر هلاهل ساخت.

این هنوز کافی نیست.

باید حتی مرگ خود را به صورت دشمنی برای آخرین ضربت و سنگر پریشی برای آنها که رزم حاصلخیز ما را ادامه خواهند داد، در آورد. و باز این هنوز کم است.

فرزندان "ارانی" و رفیقان "روزیه" هر ذره از خاطرات و هر قطره از یادگارهایی را که از خود به ارث می‌گذارند، اگر نه بذری از خرمن داناشی و حقیقت، لااقل باید شیاری از شخم زمین خون آلودی باشد که این خرمن مقدس را به بار می‌آورد.*

ده سال پیش عاشقی که این کلمات را گفت و بدان عمل کرده بود، ابدی گشت!

رفیق هوشنگ تیزابی در آذرماه ۱۳۲۲ در شهر تهران متولد شد و پس از پایان دوران دبیرستان در سال ۴۰-۴۱ وارد دانشگاه تهران گردید. او معتقد بود که مرزی بین زندگی و مبارزه نیست، زندگی خود مبارزه است. با چنین برداشتی بود که در جریان فعالیت سیاسی خود چند بار به زندان افتاده شد. در سال ۱۳۴۴ بار دیگر دستگیر شد. پس از شکنجه‌های فراوان در مخیمان پهلوی او را به بیدادگاه نظامی بردند. صحنه بیدادگاه نظامی به عرصه مبارزه علیه تجاوزات رژیم، به حقوق پایمال شده توده‌های مردم بدل گردید. هنگامیکه رئیس بیدادگاه از او خواست که لحن خود را ملایم سازد تا در مدت محکومیتش تخفیف قائل شود رفیق تیزابی پاسخ داد:

"من شرافت اخلاقی و ایدئولوژیکی ام را چه هیچ چیز نفروخته و نخواهم فروخت، میثاق من با توده‌های زحمتکش عالیترین و عمیقترین پیوند هاست."

رفیق در بیدادگاه به ده سال زندان محکوم شد، که به علت کمی سن این مدت به پنج سال کاهش یافت. او به رغم تمام زجرها و در راه دشوار مبارزه، حزب توده ایران را یافت. او می‌گفت:

"من از نفرت شروع کردم و به ایمان رسیدم. نفرت از حزب توده میراث پدرم بود، اما ایمان به این حزب، نبرد و شهادت و سوسیالیسم را خودم یافتیم. کینه‌ام کور بود، اما ایمان چراغ در دست داشت. هیچ دستی بالاتر از دست حقیقت نیست."

در شرایطی که ترور و اختناق و سانسور،

در ریح قرن اخیر هرگاه امیرالیسم و ارتجاع بین المللی و هیالکی‌های "وطنی" شان کسو-شیدند سلطه بی‌بند و بار خود را در ایران جاودانه سازند، مجبور بودند و هستند تا فساد و غارت، اشک و خون را بی‌مرگ و انتها سازند. ولی فرمانروایان مستمک وقتی میخواهند با تطمیع و تهدید، با نیرنگ و زور، با زندان و شکنجه و اعدام "خطری" که موجودیت ننگین آنها را تهدید میکند، از بین ببرند، دیگر واقعا در چار چوب محدودیت فکری طبقاتی خود اسیرند. آنها نمی‌توانند درک کنند که با زور سیم و با داغ و درفش نمی‌توان از تکامل تاریخ جلو گرفت، کسه خلقها با تن خونین از شکنجه مستمکان و پادال اند و هگین از شهادت همزمان، ولی سرانجام به آزادی خود دست خواهند یافت.

در این میدان رزم و فتح پیشقراولان نسل جدید شهیدای توده‌ای نیرو و پهلوانی میدهند، انگسر می‌افشانند و بیشتر از بسیاری در زنگهای حیات و ضربان قلب جهان حضور دارند.

رفیق شهید تیزابی یکی از آن دلاورانی بود که مانند همه انقلابیون راستین، گفتار و کردار را همسان کرد و در جاده حزب توده ایران کام گذاشت. او نه یک پدیده تصادفی، بلکه یک پدیده قانونمند در تکامل تفکر انقلابی جمعه ما و از شاگردان راستین دبستان اندیشه‌های اراتی است. او از فاتحان نام آور شکنجه-گاههای شاهنشاهی است. در قصابخانه اوین تا آخرین مرز مقاومت و حماسه رفت و از آنجا پرواز بلند مرگ را آغاز کرد. نام او شجعی است که از فراز همه زندانها و شکنجهگاههای زمین میگذرد و به جانهای که هنوز مردند، نهیب می‌زند:

"رفقا! این بن بست وجود ندارد، دیوارهای خودتان را بشکنید، آن قشون یک تنه را از اعماق وجودتان صدا بزنید."

او مظهری از آندسته مبارزان جوان و پرشوری است که از نخستین گام راه درست نرسد را نیافته بودند، ولی در جریان نبرد، در برخورد با واقعیات، در رویارویی با منطق بی‌تردید حقایق سرسخت و بقیعت تجربه‌های پردرد بی‌بردند: راهیکه حزب توده ایران نشان میدهند، راه درستی است، راه نبرد توده‌های راه شکل مبارزه طبقاتی و ملی، راه استفاده از همه اشکال نبرد بغرآخر وضع و بنابه مقتضیات زمان.

تیززایی وصیت کرد:

"باید سراپا خوف و کایوس بود، باید از

توده‌ای قهرمان راهت ادامه دارد!

قانون روابط موجر و مستأجر به نفع کیست؟

قانون روابط موجر و مستأجر در جلسه ۱۳ اردیبهشت ماه مجلس تصویب و در تاریخ ۱۸ همان ماه به تأیید شورای نگهبان رسید و ۳۱ اردیبهشت ماه از سوی نخست وزیر به دادگستری ابلاغ شد.

در چهار سال اخیر روابط موجر و مستأجر تاریخچه آموزنده‌ای را سیر کرده است. پس از سرنگونی رژیم شاه، شورای انقلاب تحت فشار افکار عمومی، بموجب تصویب نامه‌ای اجرای احکام تخلیه را به مدت شش ماه متوقف ساخت. این تصویب نامه دو بار دیگر تمدید شد. سرانجام در آبان ماه ۱۳۵۹ تمدید مجدد این تصویب نامه به شکل لایحه قانونی به مجلس ارجاع شد، که با مخالفت شدید مالکین بزرگ روبرو شد. مجلس پس از شش ماه، یعنی در اردیبهشت ماه ۱۳۶۰ لایحه توقف اجرای احکام تخلیه را رد کرد و مقررات قانونی سال ۱۳۵۶ مصوب رژیم شاه را لازم الاجرا دانست. این عمل مجلس با اعتراض شدید زحمتکشان مواجه گردید. هیئت حاکمه برای تسکین افکار عمومی، استفاده از "اختیارات ولایت قبیله" در تشخیص ضرورتها را مطرح کرد و لایحه توقف احکام تخلیه مجدداً به مجلس رفت. در آبان ماه ۱۳۶۰ لایحه به تصویب مجلس رسید، ولی ققهای شورای نگهبان مقررات قانون را "خلاف احکام شرع" شناخته و رد کردند. همروند با کشمکش بر سر لایحه توقف احکام تخلیه، لایحه مربوط به روابط مالک و مستأجر نیز مورد بحث قرار گرفت. چهارنخست وزیر، از جمله آقای موسوی "مطالعه آنرا ادامه دادند و نخستین لایحه، پس از گذار از پیچ و خم های انواع کمیسیون ها، جلسات متعدد با شورای عالی قضائی و وزارت دادگستری و سعی فراوان برای حفظ منافع مالکین، بالاخره به مجلس شورای اسلامی تسلیم شد. ولی قانونی که مجلس به تصویب رساند، با وجود حفظ منافع مالکین، مورد پسند شورای نگهبان قرار نگرفت. اعضا شورای مزبور به این نتیجه رسیدند، که مقررات قانونی "تقدس مالکیت" را در نظر نگرفته است. ۲۴ بهمن ماه ۱۳۶۱ آقای مهدوی کنسی عضو ققهای شورای نگهبان اعلام داشت، که قانون بعلت "اشکالات" موجود در آن رد و به دولت باز پس گردانده شد.

کمیسیون ها دوباره شروع بکار کردند و سرانجام شیر بی بیالودم و اشکمی بنام قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳ اردیبهشت ماه را، با حفظ منافع کامل "مالکین محترم" عرضه داشتند. این قانون، مشتعل بر ۱۵ ماده و ۹ تبصره است. مقررات قانون جدید در کلیه موارد تعیین اجاره، صدور احکام تخلیه و غیره، که از مشکلات عمده سدها هزار مستأجر است، از مالکین جانبداری می کند.

در ماده ۳ گفته می شود: "اجاره بهای هر محل، همان است، که در اجاره نامه قید شده و اگر اجاره نامه ای نباشد، به مقتضای است که بین طرفین مقرر یا عملی شده است." تبعیت از قرارداد و توافق چیزی جز بهانه شرعی سودجویی و سوء استفاده مالکین نیست. بموجب ماده ۴، مستأجر موظف است در موعد تعیین شده از طرف مالک، اجاره بها را به پرداخت. در غیر این صورت مالک حق دارد ۱۰ روز بعد از موعد تعیین شده، به دفترخانه تنظیم کننده اجاره نامه مراجعه و تقاضای تخلیه کند. بدینسان "حق مشروع" مالک در صدور حکم تخلیه ملحوظ شده است. در این ماده گفته می شود، در صورتیکه "مستأجر دلیلی موجهی بر عدم پرداخت به دادگاه صالح ارائه کند، دادگاه عملیات اجرائی را متوقف و اجرائیه را ابطال می نماید." ولی بند ۷ ماده ۵، این یگانه راه گریز مستأجر از تعدی موجر را نیز مسدود می کند. زیرا بند ۷ تصریح می کند "حق فسخ موجر در صورت تخلف مستأجر از پرداخت اجاره بها در موعد مقرر یا سایر شروط اجاره نامه" باید در اجاره نامه گنجانده شود. چنانکه ملاحظه می شود، بند ۱۷ ماده ۵ در تعارض آشکار با ماده ۴ است. بند ۱۶ ماده ۵ مستأجر را متعهد می سازد، پس از انقضای مدت اجاره مسکن را تخلیه نماید و یا اجاره را با رضایت موجر تجدید کند. این مقررات اجاره خانه را تابع تمایل مالک می کند. یگانه ماده ای که "حاکمان مستضعفین" بدان می بالند، ماده ۹ قانون جدید است. در این ماده چنین می خوانیم: "در مواردی که دادگاه تخلیه ملک مورد اجاره را به لحاظ کمبود مسکن موجب عسر و حرج مستأجر بداند و معارض با عسر و حرج موجر نباشد، می تواند مهلتی برای مستأجر قرار بدهد." ...

در این ماده موضوع "عسر و حرج" هم شامل مستأجر و هم شامل مالک است. معنای ماده ۹ این است، که اگر تخلیه محل مورد اجاره، مستأجر را در مضیقه و تنگنا قرار دهد، حکم تخلیه با رضایت مالک برای مدتی به تاخیر خواهند افتاد، آنهم بشرطی که مستأجر مالک را در مضیقه و تنگنا نگذارد. با اندکی دقت می توان دید، که ماده ۹ مانع از صدور حکم تخلیه نخواهد بود و قطع مهلتی به مستأجر خواهد داد تا مسکن دیگری با شرایط کمر شکن پیدا کند.

چنین است مفهوم حل علی مفضل مسکن امروز در قلموس راستگرایان و تسلیم طلبان. در حالیکه روزی (۲۳ مهرماه ۱۳۵۸) روزنامه "اطلاعات" مصاحبه ای با آیت اله خسرو شاهی رئیس هیئت امنای بنیاد مسکن پیرامون "طرح انقلابی مسکن" منتشر ساخت، وی در این مصاحبه اعلام داشته بود، که در ظرف

سه سال، "تمام ملت ایران در سرتاسر کشور همه صاحب یک واحد مسکونی خواهند شد، همانطور که اکنون هر فرد ایرانی دارای یک پیراهن می باشد و پیراهن ارزنی ندارد، مسکن هم پس از سه سال برای تمام ملت ایران که صاحب خانه شدند به همین شکل خواهد شد."

آیت الله خسرو شاهی اظهار داشت: "با توجه به طرح هایی که در آینده داریم ملت نباید غصه خانرا بخورد. زیرا خانه بصورت یک امر عادی در خواهد آمد. حتی برای دانشجویان و بازنشسته ها، همه اینها را بررسی کردیم که در مملکتمان هیچ دانشجویی هم فکر خانه نکند. در این مورد آیت الله گفته های شاه، مخلوع را عیناً تکرار کرد. شاه پس از اعلام اصل باصطلاح نوسازی بنشابه یکی از اصول "انقلاب سفید" وعده "مسکن در حین کار و بعد مسکن در موقع بازنشستگی و زندگی شخصی" برای همگان داد. (تهران اکونومیست، ۲۹ شهریور ۱۳۵۴).

جالبترین بخش این مصاحبه پایان سخن آیت اله بود که گفت: "اگر تا سه سال کسی صاحب خانه نشد حق دارند که ما را بکشند، ما به تما قتل میدهم در عرض سه سال تمام ملت در سرتاسر کشور صاحب خانه می شوند."

وعده سه ساله آیت اله خسرو شاهی و یارانش شش ماه پیش سبزی شد، ولی ملت ایران در سرتاسر کشور نه فقط صاحب مسکونی نشد، بلکه تنها پیراهن خود را نیز برای پرداخت اجاره بهای سرسام آور گسرو گذاشت.

بدون برنامه ره بجائی نیست!

بدون تردید فقط ساده اندیشان می توانستند تا مین مسکن، برای میلیونها ایرانی در ظرف سه سال را باور کنند. این آقایان، که سر رشته ای از ملکداری ندارند، بخود زحمت مطالعه آمار و ارقام و مشورت با داناتر از خود را نمی دهند، تا درک کنند در کشور چه می گذرد و چگونگی می توان دردها را علاج کرد. تبلیغات، آنتیم تبلیغات مبتذل، تنها هدف آنها است و این نیز حیرت آور نیست. وقتی آقایان می گویند، "برای خاطر شش چینی ها، برای خاطر توده های ما و برای خاطر ششوی ۰۰۰ یک اشخاص ساده لوح را چه در مجلس و چه در خارج از مجلس، وادار می کنند که مسائلی را طرح بکنند که هرچه بیشتر ملت ایران را مایوس کنند،" معنایش جز این است که باید حقایق را از توده های زحمتکش و "امت همیشه در صحنه" پنهان داشت؟

آخرین آمار رسمی درباره وضع مسکن مربوط بقیه در صفحه ۹

قانون روابط موجر و مستاجر به نفع کیست؟

بقیه از صفحه ۸

به سالهای ۵۴-۵۵ است. طبق این آمار کشور با کمبودی برابر ۱۷۱۵۰۰۰ واحد مسکونی مواجه بود. ۲۱۰ اردیبهشت ماه ۱۳۵۵ روزنامه "کیهان" از قول مسئولین وقت وزارت مسکن و شهرسازی نوشت، که در ایران برای هر ۸ نفر فقط یک خانه وجود دارد. طبق برآورد هفت سال پیش، بیش از یک میلیون و هفتصد هزار خانوار ایرانی فاقد مسکن بودند.

آمار سازمان ملل متحد حاکیست، که در سال ۱۳۵۵ حدود ۳۰/۱ درصد از مسکن روستائی (که اکثر خانه‌های خشتی و گلی و چوبی و حصیری و یا ترکیبی از اینها است) دارای یک اتاق بودند و در ۴۸/۸ درصد مسکن‌های روستائی در هر اتاق سه نفر و یا بیشتر زندگی می‌کردند. فقط ۳/۷ درصد مسکن روستائی از برق و تنها ۰/۷ درصد آنها از آب لوله‌کشی استفاده می‌کردند.

آیا تغییری در این وضع اسفآور مسکن روی داده است؟ با بحث‌ها و مقالات و تفسیرهای روزنامه‌های ماه‌های اخیر در ایران در مورد وضع آشفته مسکن و اجاره نشینی، شکی باقی نمی‌ماند که تغییری در این وضع ایجاد نشده است. حل معضل مسکن مستلزم داشتن برنامه دقیق علمی دراز مدت از یکسو و حل مسئله حیاتی مالک و مستاجر بسود اجاره نشینان از سوی دیگر است. حاکمیت، که برنامه جامع تامین مسکن ندارد، در مسئله موجر و مستاجر نیز مصالح میلیونها اجاره نشین محروم را فدای سود جویی مثنی مالک کرد.

سه سال و اندی پیش آیتاله خسروشاهی سرپرست بنیاد مسکن وعده داده بود، با کمک بانک مسکن همه ملت ایران را صاحب مسکن کند. ۲۴۰ بهمن ماه ۱۳۶۱ آقای جواد بستانی مدیر عامل بانک مسکن اعلام کرد، جمع واحد مسکونی در دست احداث حدود ۴۵۰۰ واحد مسکونی توسط خود بانک و احداث ۱۰۰۰ واحد مسکونی توسط شرکتهای وابسته به بانک است. مدیر عامل بانک اظهار داشت تعداد واحدهای مسکونی که پس از انقلاب تا سال ۱۳۶۱ تحویل شده از ۲۲۰۰ واحد تجاوز نکرد و در سال ۱۳۶۱ نیز مقدمات احداث فقط ۳۸۰۰ واحد مسکونی در سراسر ایران فراهم شده است.

ابتدال سیاست هیئت حاکمه در زمینه مسکن به جایی رسیده، که آقای عباس شیبانی به اجبار اعتراف می‌کند: "خانه ۵۰۰ هزار تومانی دو تا سه میلیون تومان معامله می‌شود" و "برای اجاره خانه باید ۱۰۰-۱۵۰ هزار تومان پیش پرداخت کرد"، و در نامه سرگشاده‌ای پس از ارائه این بیکرهما و تذکر اینکه همه ما مسئولیم پیشنهاد می‌کند: "از هم امروز آستین‌ها را بالا بزنیم هر کجا منزلی خالی

است، با قیمت مناسب و عادلانه به حکم ولی امر اجاره بدیم و خرید و فروش نمانیم". (کیهان ۳۱ مرداد ماه ۶۱).

جای تردید نیست که نامه سرگشاده آقای شیبانی تنها یک عوامفریبی به قصد کاهش خشم و نفرت توده‌های محروم بود. کما اینکه نه کسی آستین‌ها را بالا زد و وارد محرکه شد و نه حکمی صادر شد. شورای نگهبان هم فقط زمانی وارد محرکه می‌شود، که منافق صاحبان ثروت بیگران مطرح شود. قانون جدید روابط موجر و مستاجر دلیل گویائی بر این است.

بیکرهما و واقعیات نشانگر آنستکه، وضع اجاره نشینان در مقایسه با قبل از انقلاب نه تنها بهبود نیافته، بلکه بر مراتب بدتر نیز شده است. ۲۹ آبانماه ۱۳۵۵ مجله "تهران اکونومیست" نوشت، کمبود مسکن و بالا بودن اجاره خانه "سبب شده، گروه کثیری از مردم از وسایل زندگی و رفاه خود دست بشویند و همیشه در پی تامین اجاره خانه باشند و یا جواب کردن صاحبخانه بصورت کابوس همیشگی در آید". به نوشته مجله، دو ثلث درآمد افراد کم بضاعت یا با درآمد متوسط صرف پرداخت اجاره بها و کرایه خانه می‌گردد.

شش سال از تاریخ نگارش این مقاله می‌گذرد شش سالی که طی آن توده‌های زحمتکش برای پایان دادن به ظلم رژیم نتم شاه‌ی از جان خود ما به گذارده و انقلاب کردند. ولی نتیجه چیست؟ اگر در سال ۱۳۵۶ اجاره بها ۲۴ درصد و در سال ۱۳۵۷ حدود ۲۰/۲ درصد افزایش یافت، به نوشته "اطلاعات" (۱۵ دیماه ۶۱) در سه سال اخیر، در حالیکه حقوق کارکنان دولتی هیچ تغییری نکرده، اجاره خانه تا ۵۰۰ درصد افزایش داشته است.

آیتاله مهدوی کئی، یکی از مدافعین سر سخت صاحبان ثروت می‌گوید: "دولت می‌خواهد تمام افراد جامعه اسلامی از مسکن برخوردار شوند و برای حل این مسئله ما به چندین میلیون واحد مسکونی نیاز داریم و زمان لازم دارد، ولی در حال حاضر باید سعی کنیم تا ارزشهای معنوی اسلامی را در مردمی که مسلمانند و ۹۸ درصد به جمهوری اسلامی رای داده‌اند، بالا ببریم، تا آنها تشویق شوند و خودشان این مسئله را تا حدودی حل نمایند" (اطلاعات ۴ بهمن ماه ۶۱).

او مدعی است که دولت می‌خواهد، و اعتراف می‌کند که، ولی نمی‌تواند برای جامعه مسکن تأمین کند. وظیفه افراد جامعه چیست؟ روشن است، که توده‌های زحمتکش محتاج به نان شب، اگر می‌توانستند، سالها پیش مسکنی برای خود تهیه می‌دیدند ۱۷۰ خرداد

ماه سال گذشته جراید محاسبای را انتشار دادند، که بموجب آن اگر يك کارمند دولت ماهی یکمزار تومان از حقوق خود را برای مسکن پس‌انداز کند، بعد از ۵۱ سال خواهد توانست يك آپارتمان ۷۰ متر مربعی تهیه کند، یعنی اگر از ۲۰ سالگی شروع بکار کرده باشد در ۷۰ سالگی صاحب مسکن خواهد شد.

ولی همه می‌دانند، اکثریت قاطع کارمندان دولت هیچگاه قادر به پس‌انداز ماهانه یکمزار تومان نیستند تا چه رسد به کارگران. بنابراین میلیونها ایرانی محکومند تا آخر عمر اسیر مالکین باشند. منظور آقای مهدوی کئی هم از "مردم مسلمان" مالکین مستغلاتند. آنانند، که باید تشویق به سرمایه‌گذاری در امر مسکن گردند. بدینسان راستگرایان و تسلیم طلبان در بند آنان در صدد احیاء پدیده "بزاز و بفروش" با پوشش اسلامی هستند.

و تا زمانیکه صاحبان مستغلات از "ارزشهای معنوی اسلامی" برخوردار گردند دادگاهها ویژه مانند دوران شاه به صدور احکام تخلیه ادامه خواهند داد و قانون جدید روابط موجر و مستاجر مانند شمشیر داموکلس بر فرق مستاجرین آویزان خواهد بود. و زالوهای که آقای خسرو بیژنی رئیس دادگاههای صلح تهران درباره آنان می‌گوید نه هر يك از آنها ماهانه ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار تومان اجاره بها دریافت می‌کنند (اطلاعات ۲۰ دیماه ۶۱) تا دمیدن روح ارزشهای معنوی به کالبد فارتگران، با خیال راحت شیره جان مردم محروم و زحمتکش سپین ما را می‌کنند.

سالگرد جهاد سازندگی

بقیه از صفحه ۱۱
و نه کمک به رشد روستا است و علت عدم رشد روستا، رشد شهر نیست، بلکه روابط تولیدی قو-دالی و نیمه قو-دالی و بزرگ زمینداری در روستا است.

تنها در پناه اصلاحات ارضی واقعی و صنعتی کردن کشور، میتوان از بروز فجایع تسلط کسان زمینداران و بزرگ سرمایه‌داران جلوگیری کرد و چنان امکاناتی بوجود آورد که دهقانان و روستا نشینان با احساس امنیت شغلی و امکانات رفاهی برای خود و خانواده خود مجبور به ترک روستاها و محکوم به فنا شدن در بیخوله و زافه‌های حاشیه شهرها نباشند.

تصحیح وپوزش

در شماره ۴۵ "راه توده"، اشتباهاتی در چاپ نام توت، (کنفد راسیون عمومی کار) رخ داده که ضمن تصحیح آن، از خوانندگان نشریه پوزش می‌طلبیم.

محافل دمکراتیک و مجامع مترقی زنان در سراسر جهان، نگرانی خود را در مورد سرنوشت مریم فیروز ابراز میدارند

رفیق مریم فیروز، عضو کمیته مرکزی حزب توده، ايسران و مسئول تشکيلات دمکراتیک زنان ايران، به همراه همسرش رفیق نورالدین کیانوری، دختر و نوه سیزده ساله‌اش، در ساعت ۳ بامداد روز هفدهم بهمن در منزل مسکونی خود در تهران دستگیر شد.

بدنیال دستگیری وی، عده دیگری از کادرهای "تشکيلات" نیز پزندان افتادند و سپس، اطلاع حاصل شد که وضع جسمی وی و سایر زنان در بند، در اثر شکنجه‌های وارده رضایت بخش نیست و در اعلامیه "تشکيلات دمکراتیک زنان ايران" (سازمانهای خارج از کشور)، صحبت از دست رفتن جان وی و ابراز نگرانی در این مورد شده است.

مریم فیروز، که ۵۰ سال از عمر ۷۰ ساله‌اش را وقف مبارزه در راه منافع زحمتکشان و بخصوص زنان زحمتکش میهن ما و قطع نفوذ امپریالیسم و استبداد در ايران نموده است، همانند سایر همزمانها، تنها بچرم آزد یخواهی و عدالت طلبی گرفتار "سیا" چهرگان جمهوری اسلامی گردیده. مأمورین ساواک در خدمت جمهوری اسلامی انتقام خود از میلیونها زن زحمتکش ایرانی را در سياهچالهای بی نام و نشان از وی و سایر همزمان در بندش می ستانند.

محافل دمکراتیک و بویژه سازمانهای زنان در نقاط مختلف جهان، که برخی از آنان با این زن پرکار و مبارز از نزدیک آشنائی داشته و به مساعی وی در راه کسب حقوق زنان زحمتکش، چه در دوران حکومت استبدادی شاه و چه پس از پیروزی انقلاب در ايران، ارجح مینهند، از خبر دستگیری و سپس شکنجه‌های وارده بر وی شدیداً متأثر شده، از طرق مختلف، اعمال روشهای فیسر انسانی با وی و سایر زنان عضو "تشکيلات" را محکوم کرده و خواستار آزادی بلادرنگ آنان گردیده اند.

آلمان دمکراتیک

دبیر خانه "فدراسیون بین المللی دمکراتیک زنان" که در سال ۱۹۴۵ (۱۳۲۴) بلافاصله پس از جنگ جهانی دوم تشکیل و "تشکيلات دمکراتیک زنان ايران" از سال ۱۳۲۵ به عضویت آن درآمده است، ضمن ارسال نامه به کلیه سازمانهای عضو، نگرانی خود را در مورد دستگیری و شکنجه و آزار مریم فیروز و سایر زنان عضو "تشکيلات دمکراتیک زنان ايران" ابراز داشته و از آنان خواسته است، صدای اعتراض خود را بر علیه این اعمال غیر انسانی بلند کرده و همبستگی خود را با زنان مبارز زندانی اعلام نمایند.

در این نامه، سابقه مبارزاتی مریم فیروز و جدی بودن خطری که زندگی وی و سایر زنان را تهدید می کند بر شمرده شده و از جمله اشاره گردیده است که برخی از آنان، همراه با کودکان خرد-

سالشان باسارت جمهوری اسلامی ایران درآهانه "فدراسیون بین المللی دمکراتیک زنان" از خواست اعزام کمیسیون بی طرفی مرکب از حقوق دانان و پزشکان متخصص پشتیبانی کرده و از دیگر سازمانهای عضو نیز خواسته است که حمایت خود را از این خواست، بعنوان فوری ترین اقدام، اعلام نمایند.

فرانسه

اتحادیه ایالتی ث.و.ت. (کنفدراسیون عمومی کار) در گارن علیا و تعدادی از سازمان های زنان، جوانان و دانشجویان این شهر، با ارسال نامه‌ها و مخابره تلگرامی به مسئولین جمهوری اسلامی و سفارت ایران در پاریس، نگرانی خود را از خطری که جان مریم فیروز، مسئول "تشکيلات دمکراتیک زنان ايران" و سایر میهن پرستان ایرانی را تهدید می کند، شنیدند. اظهار نگرانی نموده، خواستار اعزام هر چه سریعتر کمیسویی مرکب از پزشکان و حقوق دانان بین المللی، جهت بازدید از زندانیان که تحت انواع شکنجه‌های جسمی و روانی قرار دارند، گردیده اند.

این سازمانها بدین قرارند:

- اتحادیه زنان فرانسه در گارن علیا UFF
- اتحادیه ملی دانشجویان فرانسه UNEF
- اتحادیه ملی لبنان
- اتحادیه ملی جوانان الجزایر
- اتحادیه ملی دانشجویان مراکش
- انجمن دانشجویان اتیوپی
- انجمن زنان مغرب (مراکش - الجزایر - تونس) در تولوز.

همبستگی با مریم فیروز و سایر زنان زندانی

پاریس - روز پنجشنبه دوم ژوئن، "کمیته دفاع از مریم فیروز" در پاریس، جلسهای به مناسبت همبستگی با زنان مبارز ایرانی و مریم فیروز مسئول "تشکيلات دمکراتیک زنان ايران" که ماههاست دستگیر شده و تحت شکنجه‌های دردناک، مأمورین ساواک ج. ۱۰۱۰ قرار گرفته‌اند ترتیب داد که در آن، پس از گفتاری در مورد انقلاب ایران، نقش زنان در آن و توضیقات وادیه بزنان و از جمله سازمان "تشکيلات"، تاریخچه مبارزات مریم فیروز، زن بینکار جوئی که بیدادگانه‌های شاه، وی را غیاباً محکوم و مأمورین جمهوری اسلامی، بدون هیچ مجوزی، او را همراه با خانواده‌اش به بند کشیده و حتی شایعاتی پیرامون سرگ وی در زندان، پخش شده است، بیان گردید. ضمن قرائت پیام همبستگی سازمانهای مختلف حاضرین در جلسه، پشتیبانی خود را از اعزام هیأت بی طرفی بایران، جهت بازدید از وی و سایر

زندانیان و اطلاع دقیق از چگونگی سلامت آنان اعلام نمودند.

● شخصیهتهای زیر طی انتشار بیانهای به دستگیری مریم فیروز و اعمال شکنجه‌های وحشیانه در مورد وی سخت اعتراض نموده، با پیر شمردن نقشی که مسئول "تشکيلات دمکراتیک زنان ايران" در بسیج زنان ایرانی و مبارزه بخاطر کسب حقوق آنان و بویژه زنان زحمتکش این کشور ایضا نموده است، آزادی بلادرنگ وی و سایر دمکراتهای در بند را خواستار شده‌اند:

- پیر ژانسون دبیر ث.و.ت. ● یوشرا پرتو از طرف لیگای زنان عراق ● مانوئل فرناندس دبیر سازمان پرتغال ● میشل مارتنی، مشاور اول دومازن ● یولت فوست، شهردار سنت اوان ● دنیس برتن مسئول اتحادیه زنان فرانسه UFF، تلگرامی به سفارت ج. ۱۰۱۰ در پاریس مخابره نموده و آزادی فوری مریم فیروز و کلیه زندانیان سیاسی زندانی را خواستار گردیده است.

آلمان فدرال

● دبیر خانه مجمع دمکراتیک زنان DFI، در کلن (آلمان فدرال) طی ارسال تلگرامهایی به مسئولین جمهوری اسلامی ایران، به نقض حقوق بشر در ايران شدیداً اعتراض نموده و آزادی فوری مریم فیروز و سایر میهن پرستان در بند را خواستار گردیده است.

● زنان حزب کمونیست آلمان، ضمن ارسال نامه به مسئولین ج. ۱۰۱۰، تعجب و نگرانی زنان عضو این گروه را از دریافت خبر دستگیری و شکنجه مریم فیروز و سایر زنان همزم وی ابراز داشته است.

گروه زنان حزب کمونیست، با اشاره به سابقه مبارزاتی و اهداف میهن پرستانه مریم فیروز، این اعمال را در مورد وی و سایر زنان غیر موجه میداند و اطلاع دقیق از وضع جسمی و آزادی فوری آنان را خواستار گردیده است.

● کمیته زنان خارجی و آلمانی - آلمان فدرال مراتب نگرانی شدید خود را از دریافت خبر مربوط به دستگیری و شکنجه اعضای "تشکيلات دمکراتیک زنان ايران" و بویژه مریم فیروز، مسئول این سازمان، طی ارسال نامه‌هایی به مقامات ج. ۱۰۱۰ ابراز و اعمال روشهای وحشیانه در مورد آنان را قویاً محکوم مینماید.

● گروهی مرکب از ۷۰ نفر از اعضای سازمان زنان شهر زیگن در آلمان فدرال، در تلگرامی که خطاب به مجلس شورای اسلامی ایران، مخابره شده است، از اینکه مریم فیروز و سایر دمکراتها در ايران، بدون هیچ مجوز قانونی پزندان افکنده شده و تحت شکنجه‌های وحشیانه قرار گرفته‌اند، شدیداً ابراز تنفر کرده، اعزام هر چه

سالگرد جهاد سازندگی

مهاجرت روستایی و علل آن

در طی هفته های اخیر، بمناسبت سالگرد جهاد سازندگی، مسائل روستائی جامعه ایران در سطح سمینارها و جلسات گرد هم آئی مشورتی مقامات کشوری ذیربط، و با حضور عده ای از دهقانان و روستائیمان که عللاً نقش ناظر بسینه آنان تفویض شده بود، مطرح شد.

موضوع مهاجرت روستائی در مرکز توجه اکثر سخنرانان این جلسات بود، که یکی از جوانب مسئله عمده و اساسی تضاد شهر و روستا است.

تضاد شهر و روستا، یعنی تضاد عقب ماندگی فرهنگی، اقتصادی و خدماتی در بخشی از جامعه یعنی ده، در قیاس با بخش دیگر - شهر - بسا رشد سرمایه داری ایجاد و در نتیجه تسلط و گسترش صنعت در جامعه سرمایه داری تشدید می شود.

حاصل اجتماعی این تضاد آنست که دهقانی که تولیدش کفاف هزینه های روزه تزیید زندگانی او را نمی دهد، یعنی دهقانان کم زمین رو بسینه ورشکستگی و خیل عظیم دهقانان بی زمین که دیگر امکان گذران بخور نمیر در روستا را از دست داد اند، به امید یافتن کار از روستا به شهر مهاجرت می کنند.

در ابتدای رشد سرمایه داری، از جمله در انگلستان سرمایه داران برای به چنگ آوردن نیروی کار ارزان دهقانان حتی به تخریب روستاها و راندن دهقانان به شهرها دست زدند.

این تضاد بین شهر و ده نه فقط در کشورهای در حال رشد که دهقانان اکثریت جمعیت آن را تشکیل میدهند و بعلت سلطه استعمارگران و سرمایه داری وابسته و بقایای فئودالیسم عقب نشانه داشته شده اند، بلکه در سایر کشورهای سرگرمه داری، حتی پیشرفته ترین آنها نیز موجود است و تا زمانی که روابط سرمایه داری برقرار است حل نخواهد شد.

حل این تضاد هنگامی امکان پذیر است که با تحول بنیادین انقلابی در جامعه، حاکمیت سرمایه داران و زمینداران ملغی گردد و با ایجاد حکومت خلقی زمین در اختیار دهقانان و تعاونیها و واحدهای دولتی کنسروزی قرار گیرد و دولت همه گونه کمک اعم از ایجاد امکانات برای تسطیح و آبیاری زمین تا دادن کود و سایر خدمات لازم در اختیار دهقانان قرار دهد و خرید محصولات با قیمت عادلانه و تضمین شده را توسط سازمانهای دولتی و اجتماعی سازمان دهد. این پیش شرطهای لازم، زمینه ارتقا سطح فرهنگ و دانش و بهداشت را در روستا ایجاد میکند و از این طریق تضاد بین شهر

و ده رویه زوال گذارده و در نهایت همانند گذشته سرمایه داری، به زواله دان تاریخ سپرده خواهد شد.

در میهن ما ایران این تضاد، تضاد روستائی

در بند بقایای فئودالی با شهر تحت سلطه سرمایه داری بزرگ و وابسته قرار داشته و دارد. فوریت حل مسائل و مشکلات ناشی از عقبماندگی روستائی به ارث مانده از رژیم گذشته به حسدی بود که بلافاصله پس از پیروزی انقلاب نیروهای بزرگ و انقلابی اقدام به تشکیل نهاد جهاد سازندگی با هدف رفع مشکلات روستائیمان نمودند.

جهادگران با کمک به دهقانان محروم برای گرفتن زمین از غاصبان بزرگ زمین و بعنوان ضابطین اجراء قانون اصلاحات ارضی صوب شورای انقلاب با عضویت در هیات های هفت نفره تقسیم زمین و همچنین اقدام برای بردن بهداشت و فرهنگ و خدمات به روستا منشا خدماتی به روستائیان میهن ما شدند.

پس از توقف اجرای قانون اصلاحات ارضی صوب شورای انقلاب و پیوسته بند "ج" آن که زیر فشار راستگرایان مدافع بزرگ زمینداری و کسلان سرمایه داری انجام گرفت و به تشدید مشکلات و نابسامانی های زندگی دهقانان و از جمله شتاب روز افزون مهاجرت روستائیان به شهر انجامید، کار آئی جهاد سازندگی را برای حل معضلات روستائی بیعزان قابل توجهی کاهش داد.

تأثیر منفی توقف اجرای قانون اصلاحات ارضی از مواردی بود که یکی از اعضای مرکز هماهنگی شوراهای اسلامی روستائی به آن اشاره میکند. وی در صحابه اختصاصی با روزنامه اطلاعات، به این مسئله اساسی که راه حل واقعی مشکلات روستا، اصلاحات ارضی بنیادین و لغو مالکیت بزرگ زمینداری است، می گوید: "در بعضی از روستاها تحول لازم رخ نداده و اگر این حاکمیت و سلطه آثار آن از میان نرود هر خدمتی هم که در روستا توسط جهاد و یا هر ارگان دیگر انجام شود به نفع قشر مرفه خواهد بود و نه به نفع طبقه محروم و مستضعف (مظلوم) (۲۲ خرداد) مددکاری اقداماتیکه دوکزان اصلا - حیات ارضی واقعی و واگذاری امکانات دولتی باید قرار گیرد وضعیتی بحرانی بوجود آورده است که انعکاس آنرا میتوان در سخنان مسئولین امر مشاهده کرد.

در قسمتی از گزارش عملکرد چهارساله جهاد سازندگی، راه حل ارائه شده برای رفع این مشکل، از جمله آمده است:

"باید تولید را در روستا افزایش داد و شهر مصرفی را به تبعیت از احیای روستاها آباد کرد، زیرا اصولاً زندگی مصرفی خود کفایی نیست بلکه ادامه وابستگی است." (آقای رنگه عضو شورای مرکزی جهاد سازندگی، اطلاعات ۲۸ خرداد)

این راه حل، در بهترین حالت، ایجاد رشد برای روستا به قیمت خفه کردن رشد شهرهاست که تصور ساده بینانه است و نتیجه آن تقسیم فقر بقیه در صفحه ۹

بمناسبت دومین سالگرد فاجعه هفتم تیر "افتخار" را چگونه می شود نادیده گرفت؟

هفتم تیر صاف بود با توطئه شوم و خیانت بار امپریالیسم آمریکا و ساواک سازمان یافته به رهبری "سیا"، که به ترور شخصیت های برجستای همانند بهشتی و منتظری انجامید.

آقای حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در دیدار با اعضای ستاد برگزاری نخستین کنگره حزب جمهوری اسلامی گفتند: "افتخاری را که چهره هایی چون شهید بهشتی و با هنر برای حزب جمهوری اسلامی بجا گذاشتند چگونه میشود نادیده گرفت." (اطلاعات شنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۶۲)

جواب به این سوال با توجه به بیانات شهید بهشتی مندرج در "ضمیمه" اقتصاد "ی" روزنامه اطلاعات ۱۷ فروردین ۱۳۶۱ بسیار روشن است. شهید بهشتی می گوید:

"جمع بندی این که ما باید روی نفی سرمایه داری تکیه کنیم، و هیچ رحم نکنیم که سرمایه داری بتواند در این جامعه بماند. همین مقدارش هم که هست، باید ریشه کن کنیم. واقعا اگر فردی، جمعی، گروهی، ذره ای در این مسئله تردید بکنند، خطره های بزرگی متوجه این نعمت های که در پرتو انقلاب به دست آمده کرده اند. ما در این باره نباید هیچ تردید بکنیم. هیچ درنگ نکنیم و هیچ وقت تلف نکنیم، تا با تمام توانمان جلوی سلطه سرمایه داری خارجی، داخلی وابسته، داخلی غیر وابسته (فرقی نمی کند باید جلوی همه این ها را بگیریم. برای این منظور کارهای زیادی باید انجام بدهیم."

آیا هنوز راه "نادیده گرفتن" شهید بهشتی برایشان ناروشن است؟

عقد قراردادهای تجارتنی با کشورهای و شرکت های امپریالیستی و تصویب قرارداد اقتصادی همه جانبه با پاکستان و افزایش تجارت با ترکیه به میزان چهل برابر دوران شاه، و سایر کشورهایی که برای امپریالیسم و در رأس آن امپریالیسم آمریکا دلالتی می کنند جز "نادیده گرفتن" نظریات شهید بهشتی ها نیست!

آیا وجود محترمان و کلان سرمایه دارانی چون خاموشی و پورا ستاد، کاندیداهای حزب جمهوری اسلامی در انتخابات میان دوره ای، مجلس شورای اسلامی و تصویب "اعتبارنامه" های ننگین آنها، احترام به نظرات شهید بهشتی و برنامه "دولت شهید" یا هنر می باشد که "سرمایه داری وابسته و غیر وابسته" را در جمهوری اسلامی "نفی" می کردند؟ ●

در هفته ای که گذشت:

چرا جمهوری اسلامی ایران در برابر توطئه های امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس سکوت کرده است؟

دو هفته قبل روزنامه جمهوری اسلامی (۲۳ خرداد) با نظر تأیید آمیز خیر تشکیل سپاه مدخله سریع " شورای همکاری خلیج " را منتشر کرد، که در موقع خود " راه توده " آنرا مورد بررسی قرار داد .

در پی روزنامه جمهوری اسلامی، روزنامه صبح آزادگان (۳۱ خرداد) متن مصاحبه شیخ خلیفه بن زاید ولیعهد ابوظبئی با یک روزنامه عربستان سعودی در مورد مانور مشترک نظامی کشورهای عضو " شورای همکاری خلیج " را در ماه اکتبر آینده در امارات متحده بی هیچ کم و کاستی و بدون هرگونه اظهار نظر تفسیر درج کرد .

نکته مشترک اینکه هیچکدام از این دو روزنامه کوچکترین اشاره ای به ماهیت واقعی این توطئه امپریالیستی و به ویژه به این واقعیت آشکار که نه فقط تشکیل سپاه مدخله سریع شورای همکاری خلیج، بلکه خود تشکیل " شورای همکاری خلیج " محصول سیاست تجاوزی امپریالیسم بسرکردگی امپریالیسم آمریکا است، اشاره نکردند .

علاوه بر مطبوعات مجاز کشور، دولت جمهوری اسلامی ایران نیز در قبال این توطئه، که علیه منافع خلیجی منطقه و برای سرکوب جنبشهای آزاد بیخس در منطقه است، تا کنون هیچگونه واکنشی از خود نشان نداده است .

این سیاست حاکم بر جمهوری اسلامی ایران تا زگی ندارد و مدتهاست که بر اثر غلبه راستگرایان حساسیت خود را در برابر توطئه ها و ناسیس امپریالیسم آمریکا از دست داده است .

سکوت جمهوری اسلامی ایران نیز بی علت نیست، چرا که دولت ج ۱۰۱۰ به این گفته های ولیعهد ابوظبئی که می گوید:

" نیروهای امارات عربی متحده، عربستان سعودی، کویت، قطر، بحرین و عمان بمنظور تأکید بر علاقه این کشورها به آزاد نگه داشتن منطقه از نفوذ و مدخله ابر قدرت ها و حفظ ثباتی که مردم خواهان آن هستند اقدام به این مانور می نماید ... و امنیت خلیج فارس ... فقط از طریق همکاری مثبت بین تمام کشورهای خلیج فارس تحقق خواهد یافت " (صبح آزادگان ۳۱ خرداد)، باور دارد و آنرا مطابق سیاست " نه شرقی، نه غربی " خود یافته است .

نظیر همین موضع از سوی آقای خامنه ای رئیس جمهور اسلامی ایران، در پاسخ به سوال خبرنگار مجله " صوت الخلیج " که آیا بهبود روابط ایران با کشور عربستان سعودی صحت دارد تأکید می شود. وی می گوید:

" بله صحت دارد، و سیاست ما در قبال کشورهای حوزه خلیج فارس به استثنای کشور عراق در جهت کاهش تنشجات استوار است. و بر مبنای همین سیاست بود که دیدارها و نشستهای با تمامی کشورهای خلیج فارس صورت گرفت، و این دیدارها و گفتگوها امیدوارکننده بوده است ."

تشابه سیاست حاکمیت جمهوری اسلامی ایران و حکام معلوم الحال کشورهای خلیج فارس را که در وابستگی شان به امپریالیسم جهانی و خصوصاً امپریالیسم آمریکا شکی نیست، میتوان همچنین در بستن قرارداد های همکاری استراتژیک با عوالم آمریکا در منطقه (ولابد به منظور حفظ ثبات و امنیت!) یعنی ترکیب و پاکستان دید، آری اینهاست دلایلی سکوت تأیید آمیز وزارت امور خارجه و دولت جمهوری اسلامی ایران در قبال خطر تشکیل سپاه " مدخله سریع " کشورهای مرتجع منطقه و مانورهای نظامی آنها. ولی مردم ایران ماهیت این گونه مانورهای نظامی و دسته بندی های نظامی را خوب می شناسند و هنوز بیاد دارند که در آذرماه سال گذشته نیز نیروهای تجاوز سریع " آمریکا در عمان با همکاری همین کشورهای عضو " شورای همکاری خلیج " اقدام به مانور نظمی نمودند .

مردم انقلابی ما منظور از حفظ ثبات منطقه را از زیان وابستگی به امپریالیسم به خوبی درک می کنند و هنوز نقش زائد ازمی رژیم شاهی - ساواکی گذشته را برای حفظ " ثبات منطقه " فراموش نکردند .

لیست ناکامل

آقای فخرالدین حجازی، نماینده اول تهران در مجلس شورای اسلامی، در یک سخنرانی در مجلس (۲۹ خرداد ۱۳۶۲ - مند رج در اطلاعات ۳۰ خرداد ۶۲) حقایق دردناکی را اذعان داشته است:

آقای حجازی که خود را در این سخنرانی مدافع اصل ۴۹ قانون اساسی و انمود میسازد، به وضع موجود خاندان و انقلاب، بر انداز اشاره کرد و اظهار داشت، که این غارتگران، که میلیونها ثروت این ملت را در زید و چاپید هاند، با آوردن نامه های (۱) " بازپس گرفتن کارخانه ها " را میطلبند و عده ای نیز از آنان دفاع میکنند (۱) .

وی در ادامه سخنانش می گوید " من چه گویم که هنوز امیر کلالی ها در مشهد هزاران هکتار زمین دارند، خانلرها در یچینور، میرزا محمد علی خان امیری موقوفه خیار در سبزوار، سعید الاعیاله در نیشابور، بعضی از وکلای دوره شاهنشاهی در مازندران، حتی در زفول مظلوم، یازکاسغذ آورد هاند (از کجا؟) که ملک ما را پس بدهید، که بعضی پس گرفته اند و حتی آبی هم بالاایش خورد"

اند. البته این لیستی که آقای حجازی ردیف کرده بسیار ناکامل است. وی صحنه گردانان اصلی بازار را که محترمان، گرانفروشان و تروریستهای اقتصاد هستند و زالووار خون زحمتکشان را می مکند، به فراموشی سپرده است!

آقای حجازی که میدانند، که اینهایی که " با ز کاغذ آورده اند " این کاغذها را از کجا آوردند، عا مد از اظهار نامشان خود داری میکند و دست خود را در مشارکت با آنها باز میکند . آقای حجازی از بیلا ساختن نام آنها می خود ازا میکند، که به اعتراف خود او " بازار را " سنسگر روحانیت می دانند " و نه زحمتکشان را!

شهرداری تهران پادر جای پای رژیم شاه می گذارد!

در شرایطی که بحران عمیقی سراسر جامعه ما را فرا گرفته است و حاکمیت ج ۱۰۱۰ از حل کوچکترین مسئله اجتماعی عاجز مانده است، هر گونه انتقاد و حرکت اعتراضی مردم با تهدید به سرکوب از جانب حاکمیت روبرو می گردد. در حالی که بی پایگی و دلهای طلائی تسلیم طلبان هر روز نمایان تر می شود، حکومت چاره ای جز ر و ی آوردن طغنی به خشونت ندارد .

در هفته گذشته آقای حسین صادقی، قائم مقام شهرداری تهران در گفتگویی با روزنامه کیهان مورخ ۲۶ خرداد ۱۳۶۲، در رابطه با وضعیت فعلی خانساز " غیرمجاز " در حاشیه شهر به همین شیوه با مشکلات و خواسته های مردم برخورد کرده و از جمله چنین می گوید:

" بعد از انقلاب ... افراد سودجو و فرصت طلب با قسمت کردن زمینها و با فروش قولنامه های آنها به عده ای باص شدند که موج آلونک سازی در گوشه و کنار شهر رو به ازدیاد بگذارد و خواه ناخواه عده ای از طریق معامله ممنوع قولنامه های زمین تهیه کردند و بدون مجوز شروع به سلختمان کردند مقابل شهرداری قرار گرفتند (تأکید از ماست) و شهرداری با توجه به وظیفه شهر و حریم آن طبق مقررات موظف است جلوی تجاوز به اراضی را بگیرد ."

به زعم آقای صادقی، نه آن عده افراد سودجو فرصت طلب که با فروش قولنامه های تقلبی بسود کلانی به جیب زد هاند و امروز دست یافتن بسه آنها کار حضرت قیل است، بلکه پابرهنه ها و زافه نشینان محروم از مسکن مقصدند و امروز در مقابل شهرداری قرار گرفته اند .

این محرومین مقصدند که بجای دلخوش کردن به وعد های پوچ مقامات جمهوری اسلامی در رابطه با مسکن، با پس انداز درآمد ناچیز خود در جهت تهیه مسکن برای خود اقدام کرده اند، پابرهنه هایی که زمانی انقلاب از آن آنها خوانده می شد و امروز دیگر سخنی از آن در میان نیست، چون دیگر امیدی به اجرای قوانین انقلابی از جمله اصل ۳۱ قانون اساسی که در آن تأمین

در هفته‌ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۲
مسکن برای هر فرد ایرانی از وظائف اولیسه دولت بشمار می‌آید را نداشتند، خود دست بکار شدند و به همین دلیل امروز مقصر شناخته می‌شوند. آقای صادقی در همان مصاحبه چنین ادامه می‌دهد:

" شهرداری از ساختن خانه‌هایی که خارج از محدوده ۰۰۰ تهران و بدون مجوز ایجاد می‌شود به شدت جلوگیری بعمل خواهد آورد. " و بالاخره " شهرداری تهران طبق مقررات خانه‌های ساخته شده بدون مجوز را تخریب خواهد کرد و از ایجاد هرگونه شبسه آلونک در سطح شهر تهران بشدت جلوگیری خواهد کرد. "

این سخنان با بیانات جمشید آموزگار وزیر شاه خائن در آخرین روزهای حیات دولتش شباهت بسیار دارد! آنها قبلاً از حاکمیت کنونی ایران این راه را رفتند و زاعه تشینان را به خاک و خون کشیدند. زمان لازم بود که همان زاعه تشینان حکومت آن وزیر و تاج و تخت اربابش را به زیر بکنند. حاکمیتی که به همه اهداف انقلاب مردم ایران پشت کرده است قادر نیست که حتی به یکی از حواستهای کوچک مردم زحمتکش میهنمان پاسخ انقلابی دهد، امروز نیز به این شکل زحمتکشان را مورد تهدید قرار می‌دهد.

مردم انقلابی ایران که با نثار ده‌ها هزار شهید انقلابی چنان عظیم را به سرانجام رسانند قادر خواهد بود از منافع خود دفاع کنند. ساختن "آلونک" ها توسط زحمتکشان نشان دهنده شکست سیاست تأمین مسکن برای آنها توسط حاکمیت است. تخریب این " آلونک " ها توسط شهرداری تهران، نشان دهنده تداوم سیاست شهرداری در زمان رژیم شاه است.

"جاذبه‌های شهری" یاققرخانمان برانداز

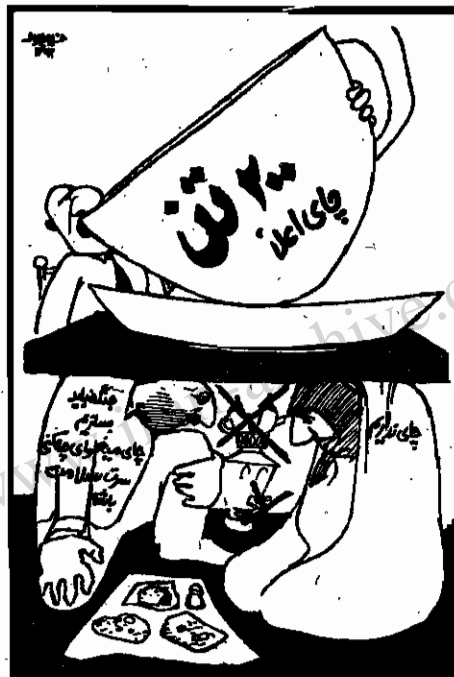
در جریان برگزاری سالگرد جهاد سازندگی، که طی آن مسائل روستای ایران مطرح بود، از سوی سخنگویان متحدی و از جمله آقای نخست وزیر به مسئله "جاذبه های شهری" بعنوان یکی از علل مهاجرت روستائیان به شهرها تکیه شد. آنها بی از "جاذبه های شهری" بعنوان وسیله جهت منحرف ساختن نظر و توجه زحمتکشان، استفاده می‌کنند که وعده های خود را به دست فراموشی سپرده و از اجرای اصلاحات ارضی طفره رفتند.

باید پرسید: آیا "جاذبه های شهری" باعث شده است که فوج دهقانان و خانواده‌هایشان به بیخوله ها و حلیی آبادهای حواشی شهرها روی بیاورند؟ آیا "جاذبه های شهری" باعث شده است که روستائیان بیمار برای معالجه به شهرها روی آورند؟

و سد آبی دیگر.
اگر زمین به دهقانان داده شود، در کار کشت و برداشت محصول به آنان، نه بصرمایه دارد، بزرگ وارد کننده گندم و برنج و سایر محصولات کشاورزی، کمک شود، دهقانان در روستاهای آباد باقی میمانند و خود کفائی واقعی نیز تأمین می‌شود.

۲۰۰ تن جای احتکار شده کشف شد

" با چاپ خبر کشف ۲ انبار جای و لوازم احتکار شده که خبر آن در روزنامه کیهان مورخه ۳/۱۸ منعکس شد، ماموران کلانتری ۱۳ که عامل این کشف مهم بودند، با حضور نمایندگان ارگان‌های مربوطه به نظارت بر توزین جای‌های احتکار شده پرداختند و دریافتند که مقدار آنها حدود ۲۰۰ تن می‌باشد. " (کیهان ۲۳ خرداد)



اختلاس میلیونی

هر روز که میگذرد اخبار اختلاس و سوءاستفاده های مالی در دستگاههای مختلف آشکارتر میشود.

همین چندی پیش روزنامه های مجاز ایران اطلاع دادند که سرپرست سابق مرکز بازرگانی استانداری آذربایجان شرقی و مدیر عامل کشتار گاه تبریز به اتهام اختلاس دستگیر شده‌اند (اطلاعات ۳۰ خرداد ۶۲).

رقعی که طبق گزارش دادستانی تبریز به جیب این دزدان نوکیسه رفته، جمعا ۱۰۰ میلیون تومان است (۵۵۱ میلیون ریال از کشتارگاه تبریز و ۴۹۶ میلیون ریال از مرکز بازرگانی آذربایجان شرقی، از محل توزیع و ترخیص آهن آلات).

به عبارت دیگر در دو نهاد حاکمیت در یک شهر، ۱۰۰ میلیون تومان اختلاس شده است. این واقعیت دردناک به حق نگرانی عمیق مردم مخروم میهن ما را برمی‌انگیزد. مردم از خود سؤال میکنند، که اگر دزدان کشتارگاه صد میلیون تومان میدزدند پس دزدان از نوع گانه‌ها

درشت" با اختلاس و سوءاستفاده های مالی خود چه ارقامی را از بیت‌المال به یخما میبرند؟ چرا دانه های درشت" کشف نمی‌شوند؟ مردم این سؤال بر حق را از خود و از مسئولین می‌کنند، که چه کسانی این دزدان بیت‌المال را بر سر این پست های "نان و آب" دار گمارده‌است؟ آیا وضع آنطور است که آقای عسگر اولادی، وزیر بازرگانی جمهوری اسلامی در پاسخ به سئوالات نمایندگان مجلس گفت، که او را با سئوالات خود زیر فشار قرار داده بودند؟

آقای عسگر اولادی گفت: "مداسبت شریک لشریک" و هشدار داد که همه با هم شریکیم!

راستگرایان خود را معرفی می‌کنند

حجت الاسلام قریانی، امام جمعه لاهیجان در گفتگوی خود با روزنامه اطلاعات مورخ ۲۶ خرداد اعلام میکند که او از همان اول مخالف اصلاحات ارضی انقلابی بوده است.

وی این اصلاحات را " تجاوز و غصب" می‌نامد و حمایت مسئولین و نهادها را از کشاورزان در امر تقسیم زمین "بیمورد" و ناشی از "تند روی" و تفکرات افراطی " اعلام میکند. وی می‌طلبد، زمینهای که "بطور عدوانی" و "غاصبانه" تصرف شده‌اند، به صاحبانشان بازگردانده شود.

امام جمعه لاهیجان مطالب فوق را در روزنامه اطلاعات چنین بیان میکند: "ما از همان اول مخالفتمان را با اینگونه کارها و تجاوز و غصب اعلام کرده بودیم و حتی به هیات پیگیری هم گفتیم که نباید تحت تاثیر جو قرار گیرند و متأسفانه برخی از کشاورزان از پاره‌های حمایتهای بی‌مورد نهادها و مسئولین سوءاستفاده کرده و اینگونه زمینها را بطور عدوانی (!) تصرف کرده‌اند، که بآ این زمینها به صاحبانشان بازگردانده شود" وی در جای دیگری میگوید: "در مورد مصادره این زمینها، بعضی ها می‌گفتند باغاتی هم که مصادره شده بخاطر بعضی از تند رویها و طرز تفکرات افراطی، غاصبانه تصرف شده‌اند."

این واقعیت که بخشی از روحانیت، به هواداری از بزرگ زمینداران و خانها، از اول پیروز انقلاب اصلاحات بنیادی بفتح زحمتکشان روستا مخالفت کرده است و مانع آن گشته که "پینه دست دهقانان سند زمین" بشمار آید، بارها توسط حزب ما افشا شد.

این مدافعان سرمایه داری غارتگر و تروریستهای اقتصادی و بزرگ زمینداران و خانها، در ابتدای انقلاب که حتی جسارت اعلام نظر خود را نداشتند اکنون که با تسلیم طلبی نیروهای معاشناکتر، مواضع عدل را در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران به چنگ آورده‌اند، تریبون نماز جمعه و روزنامه های مجاز کشور را به محل انتشار نظریات "ضد متضعفان" قرار میدهند.

۱- سخنرانی پیش از دستور نمایندگان مجلس در انتقاد از سیاست دادن سوسپید از طرف دولت به وارد کنندگان کالا های کشاورزی.

گسترش همبستگی بین المللی

بقیه از صفحه ۳

استقلال و آزادی ایران در میدان مبارزات ضد امپریالیستی را خواستار گردیده است.

● روزنامه "وارهایت" که از طرف حزب سوسیالیست بتجدد برلن غربی منتشر میشود، طی مقاله‌ای با عنوان "همبستگی با حزب توده ایران" تحولات اخیر ایران و گرایش به امپریالیسم حاکمیت راستگرایان در جمهوری اسلامی ایران را مورد بررسی قرار داده و نوشته است: "شما هم نیستی که اتاق بازرگانی و صنایع آلمان فدرال در چنین موقعیتی به کنسرن‌ها توصیه کرده است که مدیون مجرب خود را به تهران بفرستند".

در این مقاله که بقلم مسئول بخش سیاست بین المللی روزنامه نوشته شده همچنین آمده است: "چیزی که آمریکا تنها از زمان سرنگونی شاه با چندین توطئه نتوانسته بود کسب کند اکنون با وسائل سردبست می‌آورند. نسخه قدیمی نفوذ دادن افراد خودی در ارگانهای حاکمیت که آمریکا تنها بداند متوسل شده‌اند امکان فعالیت آزاد را بدانها داده است".

در این مقاله پس از اشاره به این که پشت اتهام واهی "جاسوسی" این واقعیت نهفته است که حزب توده ایران کلان سرمایه‌داران و بزرگ زمینداران را که از نفوذ زیادی در حاکمیت برخوردارند، به عنوان دشمن اصلی داخلی به مردم معرفی کرده است. ما همه را به ابراز همبستگی با کمونیست‌ها و دمکرات‌های ایرانی دعوت کرده و از زبان رفیق هورست اشمیت، صدر حزب سوسیالیست متحد برلن غربی که در جشن سالانه روزنامه عنوان شده بود، خواستار پایان دادن به پیگردها و سرکوب علیه حزب توده ایران و آزادی تمام اعضا و رهبران آن و همچنین تمام نیروهای مشرفی ایران شده است.

کمونیست‌های اعضاء پارلمان اروپائی از جان توده‌ای‌های دربند دفاع می‌کنند

نمایندگان فراکسیون کمونیست پارلمان اروپا تقاضای نامه‌ای برای بررسی اوضاع ایران، پیرامون دستگیری و شکنجه رهبران حزب توده ایران و نگرانی از سرنوشت نورالدین کیانوری، دبیر اول حزب توده ایران و در این رابطه تبادل نظر از طرف صلیب سرخ بین‌المللی به ایران و ملاقات و معاینه زندانیان توده‌ای، تقدیم پارلمان اروپا کردند. در این تقاضای نامه که در اجلاس ششم ژوئن این پارلمان ارائه و تصویب شده، خواسته شده است که ابتکارات جدیدی برای نجات جان این زندانیان عملی گردد، چه اوضاع از زمان دستگیری آنان به

شدت رو به وخامت گرایده است.

سندیکا‌های

کارگری ایتالیا، بنام میلیون‌ها کارگر این کشور، نسبت به دستگیری و شکنجه رهبران و اعضای حزب توده ایران اعتراض می‌کنند

دبیرخانه سندیکای ایالتی کارگران ساختمان، بنام کلیه کارگران این سندیکای استان ونتو در ایتالیا، طی ارسال تلگرامی به سفارت ایران در رم، به بازداشت رهبران حزب توده ایران و تضيیقات اعمال شده در مورد حزب و در مورد مبارزین بازداشت شده، شدیداً اعتراض کرده و خواستار اعزام يك هیأت ناظر بین‌المللی جهت بررسی وضع این زندانیان، از نزدیک شد. در پاسخ بدین تلگرام و درخواست اعزام هیأت، سفارت ج ۱۰۱۰ در رم نامه‌ای خطاب به سندیکای ایالتی کارگران ساختمانی استان ونتو، تقریر و در آن همان لاطاعات معمول در مورد "جاسوسی رهبران حزب توده ایران" را تحویل کارگران داده و اشاره نموده است که مبارزین زندانی، بجهت خیانت‌پاشان بمنافع مردم و انقلاب ایران، عقوبت می‌شدند و از پاسخ به مسأله مشخص اعزام هیأت ناظر اصولاً طفره رفته است.

سندیکای کارگران ساختمان، در مقابل، نامه دیگری به سفارت نوشته که در حقیقت سند افشا کننده این گناهکاران واقعی و این جنایتکاران به منافع مردم و میهن است. ما متن نامه را در زیر می‌آوریم:

در رابطه با پاسخ کلی شما، نسبت به اعتراضات ما در مورد دستگیری و شکنجه میهن پرستانمانند کیانوری، به‌آدین، طبری و هزاران انقلابی اصیل دیگر، باید بگوئیم آنچه که شما بنام خدا اظهار می‌دارید، دروغ محض است زیرا که به درخواست ما در مورد اعزام هیأتی بی‌طرف برای بررسی وضع زندانیان اصولاً اشرارهای ننموده‌اید. ما معتقدیم که شما بنام "انقلاب مردم" دست به کشتار، به بند کشیدن و شکنجه میهن پرستان و وارد آوردن اتهامات ناروا بدانان زده و با بی‌شرمانه‌ترین اعمال، هرنوع زیستن و آزادی را از مردم سلب کرده‌اید. چطور میشود باور کرد که انسان‌هایی همانند رهبران حزب توده ایران، با ارزشهای والی اخلاقی، فرهنگی و سیاسی، کسانی که همه توان خود را در پیروزی انقلاب بکار بردند و در این راه قربانیها دادند، حال به سطح نازلی که شما میخواهید نشان دهید، برسند؟ چگونه امکان دارد،

مبارزینی که يك ربع قرن در سیاهچال‌های شاه و زیر شکنجه‌های ساواک بخاطر ایده‌های انسانی، شان مقاومت ورزید مانده، حال بخود نسبت خبیثت و جاسوسی بدهند؟ در واقع اگر بخاطر نجات جان این مبارزین از مرگ نبود، همه اینها تنها، مضحک و خنده آور میبود، اما حال که مسأله مرگ و زندگی آنان در میان است، کارگران ایتالیائی که دوست‌تر انقلاب ایران بوده و در طی این مدت، حوادث آنرا، با علاقه خاصی دنبال کرده‌اند، ایمن لاطاعات و خود شما را به شدیدترین وجهی، پستاپه دشمنان انقلاب، محکوم می‌کنند.

ما اطمینان داریم که علیرغم وقایع اخیر، انقلاب ایران توانائی آن را دارد که بسزوی خائنین واقعی را شناسانده و میهن پرستانی را که به زندان افکنده و آزارشان میدهد، از بند رها سازد، تا آنان بار دیگر جای خود را در صف دفاع از انقلاب باز یابند.

بنام همان خدائی که ادعای اعتقاد بسوی را دارید، از شما می‌خواهیم دست بخون ایمن انسان‌هایی که تنها گناهشان تعلق به حزب کمونیست ایران است، نیالایند زیرا که در اینصورت جنبشهای کارگری در تمام جهان، شما را محکوم خواهند نمود.

آمریکا

● تعدادی از سازمانهای سیاسی شهسری سیاتل در ایالت واشنگتن آمریکا، ضمن امضا اعتراضیه‌ای، خواستار قطع فوری شکنجه‌ها و آزادی بلادرنگ رهبران و اعضای حزب توده ایران گردیده‌اند. امضا کنندگان بدینقرارند:

● کمیته عرب-آمریکائی ضد تبعیض نژادی در شهر سیاتل ● کمیته هواداران فلسطینی دمکراتیک در سیاتل ● اتحادیه عمومی دانشجویان فلسطینی GUPS، شعبه سیاتل ● سازمان دانشجویان مخالف میلیتاریسم در سیاتل.

● سازمان زنان مبارز برای صلح در شهر سیاتل، طی ارسال نامه‌ای به دفتر حفاظت منافع ایران در واشنگتن، نگرانی شدید خود را از اعمال شکنجه‌های وحشیانه در مورد مبارزین زندانی حزب توده ایران و نحوه کسب "اقرار" تلویزیونی از رهبران حزب، ابراز داشته و این تضيیقات را همگامی با سیاست جنگ افروزان دولت ریگان و تهدیدی علیه صلح جهانی، ارزیابی کرده است.

● روزنامه دلی ولد، ارگان حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا، در تاریخ ۲۴ ژوئن، ضمن انتشار خبر کشته شدن رفیق حسن حسین پور تبریزی، یکی از رهبران جنبش کارگری و سندیکائی که در زیر شکنجه‌های وحشیانه دژخیان جمهوری اسلامی بقتل رسید، نگرانی عمیق محافل دمکراتیک را در مورد خطری که بویژه پس از این واقعه جان رفیق نورالدین کیانوری را تهدید می‌کند، ابراز کرده است.

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

نگرانی مردم ایران از آینده کشور

بقیه از صفحه ۶

حداقل مردم ایران از تجربه تلخ خود به این حقیقت واقفند .

آنجا که نویسندگان "اطلاعات" احزاب کمونیستی را به مثابه وسیله باصلاح نفوذ شوروی عرضه می دارد، نه تنها عادیترین موازین اخلاقی را زیر پا می گذارد، بلکه به مانند بلندگوی سیا عرضه اندام می کند . تصادفا در این زمینه نیز او از "استادش" جلال الدین فارسی الهام می گیرد و وی در سخنرانی نماز جمعه ضمن حملات گستاخانه به حزب توده ایران، کمونیسم و اتحاد شوروی از جمله گفت: گویا وظیفه احزاب کمونیست "در کشورهای مسلمان همیشه تامین منافع شوروی بوده است" (اطلاعات ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۶۲).

همه آنانیکه کم و بیش با سیاست سروکار دارند می دانند، متکرر این تهمت بیشرمانه و مبتذل سازمان جاسوسی آمریکا است و اشاعه دهندگانش، عمال امپریالیسم بوده و هستند . مبارزات احزاب کمونیست در کشور

جهان سوم را، کمبخش جدائی ناپذیر بیکار خلقها در راه آزادی و استقلال واقعی است، سیاست "توسعه طلبی" اتحاد شوروی اعلام کردن، هدفی جز استتار سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا نمی تواند داشته باشد .

پس از پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتیر و تشکیل نخستین کشور سوسیالیستی در جهان، امپریالیسم از بیستم از دست دادن سلطه خود به انواع حیل برای تیره ساختن مناسبات اتحاد شوروی با کشورهای همسایه متوسل شد . افسانه دستبازی به آبهای گرم خلیج فارس نمونه ای از آنهاست . سالها رسانه های گروهی امپریالیستی این نغمه را ساز می کردند، اینک نوبت به سید عطاالله مهاجرانی رسیده است . او می نویسد، ایران یکی از کشورهای "هرجذپه برای روسیه" بوده است . چرا؟ به نوشته وی، برای اینکه ایران حدود ۱۹۷۵ کیلومتر مرز خاکی و آبی با اتحاد شوروی دارد و "از سوی دیگر مرزهای جنوبی ایران، در ناحیه خلیج

فارس و دریای عمان، و تسلط بر گذرگاه عبور نفت و معادن پر اهمیت و ... برای روسیه بسیار وسوسه انگیز بوده است" (اطلاعات ۲ خرداد ۶۲).

باز افسانه "دستیابی به آبهای گرم" سید عطاالله مهاجرانی مامور است و معذوز او باید افکار عمومی را از خطر واقعی متوجه کشور های خلیج فارس منحرف سازد . اینکه چه کسانی هم اکنون بر آبهای گرم خلیج فارس حاکمیت می کنند و گذرگاه عبور نفت را تحت نظارت دارند و معادن پر اهمیت نفت را غارت می کنند، برای مهاجرانی ها مطرح نیست . چرا بلسغین "اسلامی" نیروی دریائی عظیم ایالات متحده آمریکا را که تنگه هرمز را تحت نظارت گرفته نادیده می گیرند؟ آیا این اتحاد شوروی است، که نیروهای سریع و مرکز واحد فرماندهی و زنجیره های از پایگاههای نظامی در عمان، سودان، مصر، عربستان سعودی، لبنان و غیره ایجاد می کند؟

هدف کسانی که در اشاعه اراجیف ضد شوروی با امپریالیسم همصدائی می کنند، پردپوشی سیاست امپریالیسم آمریکا است . مقصد آمریکا احیاء سلطه در جهان است . ر آلبن دستیار سابق ریگان در مسئله امنیت ملی (در حال حاضر وی مشاور سیاسی حزب خاکم است) صریحا اعلام داشت: "هدف ما احیاء نقش هدایت کننده ایالات متحده آمریکا است" . جانشین وی در این سمت کلارک عیان تر از همکارش گفت، غرب باید از منافع خود دفاع و جهان را در مسیر لازم هدایت کند . "حکام کمونیسم ستیز جمهوری اسلامی نیز در این مسیر حرکت می کنند . مردم ایران به حق نگران آینده کشورند .

دهقانان زندانی را آزاد کنید!

کنترل خود را تحمل می کند، که دهقانان بسی گناهی را، که فرزندانشان در جیب های جنگ در دفاع از میهن شهید شده اند و می شوند به فراموشخانه های جمهوری اسلامی فرستاده شوند، فقط به این علت که بسط "مجوز قانونی" و بد نیال پیروزی انقلاب گنج نشینان علیه کاخ نشینان زمین دریافت کرده بودند و برای تامین خودکفائی به جان کنن بر روی زمین پرداختند، به بند کشیده شوند؟ شورای عالی قضائی با رسالت از کدام زحمتکش، که "پینه دستش سند مالکیت" است، اکنون "مالکین اراضی" ای را "مالک" می نامد، که "سند" مالکیتشان، پسند غارت و چپاولگری و سرکوب دهقانان است .

"حقوق کارگران و رعایا را سرمایه داران بزرگ و مالکین بزرگ برد مانند و امروز هم دارند می برند . بدین جهت آنان مالک کارخانه ها و زمین های خود نمی باشند . ما همه آنان را به پای میز محاکمه می کشیم و مایملک و سرمایه آنان را که عمری است مالکین بزرگ و سرمایه داران بزرگ خورد مانند به محرومین باز پس داده می شود ."

(امام خمینی، اطلاعات ۱۳ آذر ۵۹)

آری، اینست عاقبت دردناک تسلیم طلبی معاشا تکران در مقابل مدافعان کلان سرمایه داری و بزرگ زمین داری!

آری، اینست علت سرکوب پرپرمنشانه حزب توده ایران، که مدافع واقعی دهقانان بی زمین و کم زمین و خواستار تقسیم اراضی انقلابی

بوده و هست . جمهوری اسلامی ایران نباید پیه زندان زحمتکشان و مدافعان زحمتکشان تبدیل شود! ما، همصدا با تمام زحمتکشان میهن ما، همصدا با خانواده های دهقانان زندانی، به این حق کشی، به این پشت کردن به منافع دهقان اعتراض می کنیم و آزادی فوری و بی قید و شرط دهقانان زندانی را می طلبیم . ما، همصدا با دهقانان می طلبیم که اصلاحات ارضی انقلابی اجرا شود و زمین به دهقانان تعلق گیرد!



پس پینه دست من که سند من بود ماست مالی شد؟

تیزابی: قهرمانی دیگر از قبار شهیدان توده های

بقیه از صفحه ۱۵
او بعد از چند سال مبارزه در خارج از زندان بار دیگر خود را در شکنجهگاه یسافست آنجایی که او حماسه شد . او محراب شیفتگان آزادی را باز یافت و با مرگ پرافتخار خود پیام آور راه آزادی گشت .

در دهمین سال شهادت رفیق شهید توده های، رزمندگان راه او، توده های های نسل جوان، با خون رفیق خود پیمان می بندند که راه پر شکوهش را ادامه دهند و دشمن اصلی، که هوشنگ جان خود را نثارش کرد، یعنی امپریالیسم خونخوار آمریکا و دیگر خود فروختگان وابسته داخلی آن را از وطن خویش ریشه کن کنند .

هوشنگ تیزابی، از شقایق زار خلق پردمید و در قلب تاریخ قلمه شد . راه تیزابی، راه حزب توده ایران، پیروز و پرافتخار باد!



صلح، زندگی، علیه جنگ هسته‌ای



مذاکرات پیرامون افغانستان

بر طبق گفته نماینده ویژه سازمان ملل متحد در گفتگوهای مربوط به حل صلح آمیز مسائل پیرامون افغانستان، که با شرکت جمهوری دمکراتیک خلق افغانستان و پاکستان انجام می‌گیرد، پیشرفت‌هایی در راه حل کامل مسئله صورت گرفته است. وی که این گفتگوها را جداگانه با وزرای امور خارجه دو کشور انجام می‌دهد اظهار داشت که این گفتگوها با روحی واقع‌بینانه و منطقی صورت می‌گیرد. وی گفت طرفین حاضر در گفتگوها برخواست خود مبنی بر انعقاد موافقت‌نامه‌ای به منظور حل سیاسی مسئله تأکید کردند. طرفین اظهار عقیده کردند که اختلافات موجود نیز قابل رفع اند.

از سوی دیگر وزیر امور خارجه هند در یک مصاحبه با روزنامه اطریشی "دی پرسه" اظهار داشت که برای حل مسئله افغانستان هیچ راهی جز انجام مذاکرات وجود ندارد. وی گفت: "به گفتگوهای میان افغانستان و پاکستان میتوانیم بطور مشروط خوشبین باشیم". لازم به تذکر است جمهوری اسلامی ایران در تدوین خواست قطب‌زا ده خواستار شرکت به اصطلاح مجاهدین افغانی (پخوان تورپست های آمریکایی) در این مذاکرات است و بدو شرکت آنها در این گفتگوها شرکت نخواهد کرد.

"کرد هم آبی جهانی برای صلح و زندگی و علیه جنگ هسته‌ای" در پراگ پایتخت چکسلواکی، برگزار شد. در این گردهم‌آیی ۲۵۰۰ نماینده از ۱۴۰ کشور جهان و بیش از ۱۰۰ سازمان بین‌المللی شرکت کردند. این کنفرانس به منظور تبادل نظر درباره فعالیت‌های آتی جنبش جهانی صلح، بمنظور جلوگیری از تهدیدی که موجودیت بشر را زیر علامت سوآل برده است و همچنین حفظ صلح جهانی و رفع خطر جنگ هسته‌ای ترتیب یافته بود. چنانکه روش‌چاندرا، رئیس شورای جهانی صلح در نطق افتتاحیه خود ابراز داشت، خلق‌ها گام‌های جدیدی را در جهت مبارزه به خاطر صلح از این کنفرانس انتظار دارند. وی گفت:

"هیئت‌های مختلفی، صرفنظر از اختلافات ایدئولوژیک تنها به خاطر هدف مشترک خود یعنی جلوگیری از خاکستر شدن کودکان، چنانکه در میروشیا اتفاق افتاد، در این گردهمایی شرکت کردند. وی افزود از فاجعه هسته‌ای می‌توان تنها از راه فعالیت مشترک تمام مخالفین جنگ جلوگیری کرد. وی در این رابطه از نقش کشورهای سوسیالیستی و پیشنهادات صلح آنها و کشورهای غیرمتحد در حفظ صلح جهانی قدر دانی کرد. بسیاری از شرکت‌کنندگان در این گردهم‌آیی تأکید کردند که هیچ گزینه واقعی دیگری به خطر انداخته

جز پرداختن به مذاکرات جدی درباره محدود ساختن تسلیحات هسته‌ای وجود ندارد و در این رابطه نقش اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی در ارائه پیشنهادات فراوان عملی که به این منظور کمک خواهد رساند مورد تقدیر قرار گرفت.

در بسیاری از گروه‌های کار، که فعالیت کنفرانس به آن تقسیم شده بود طرح ضدانسانی آمریکا برای کشاندن مسابقه تسلیحاتی به فضا مورد انتقاد شدید قرار گرفت و تأکید شد که فضا باید محل پژوهش‌های صلح آمیز باقی بماند. گروه‌های مخصوص صلح جوانان و گروه‌های صلح زنان نیز در جنب این کنفرانس مشغول به کار بودند. این کنفرانس پس از آرزو با صدورپیامی بمخالف‌های جهان درباره "صلح" بکار خود پایان داد.

تهدید صلح

انستیتیوی بین‌المللی تحقیقات صلح استکهلم در آخرین گزارش خود، سال ۱۹۸۳ را سال سرنوشت ساز برای خلع سلاح خواند. این انستیتیو در گزارش خود اظهار داشته است که اگر تصمیم ناتو مبنی بر استقرار موشک‌های میانبرد عملی گردد دیگر شانس برای نابودی آنها نمی‌ماند. این انستیتیو بر لزوم به شمار آوردن موشک‌های انگلیسی و فرانسوی در مذاکرات ژنو تأکید کرده و اضافه کرده است که این آمریکا و ناتو است که با افزایش سرسام آور بودجه نظامی خود به مسابقه تسلیحاتی دامن زده و صلح جهانی را

از سوی دیگر از طرف منابع دولتی بلژیک فاش شد که دولت این کشور موافقت‌نامه‌ای با دولت آمریکا پیرامون تدارک مقدمات استقرار موشک‌های میانبرد آمریکایی در خاک این کشور به امضا رسانده است. یا نزدیکی موعد پیش‌بینی شده برای استقرار این موشک‌ها، عملیاتی‌ترینی متعدد دی برای باصطلاح "جنگ هسته‌ای" از طرف نیروهای مسلح آمریکا صورت می‌گیرد. در "مانور" گوبال - شیلد ۸۳" که به منظور آزمایش آمادگی ارتش آمریکا برای جنگ هسته‌ای آینده انجام می‌گیرد، مجموعاً ۱۵۰ هزار نظامی آمریکایی، در چهار گوشه جهان شرکت داشته و فرماندهی نیروی هوایی این کشور این عملیات را رهبری می‌کند.

محافل دمکراتیک و مجامع مترقی زنان در سراسر جهان، نگرانی

● "کمیته" برلن غربی برای حقوق زن "طلی نامه" سرکشاده‌ای، نگرانی خویش را از وقایع اخیر ایران که منجر به بازداشت مریم فیروز، مسئول "تشکیلات دمکراتیک زنان ایران"، و گروه عظیمی از دمکراتها و میهن پرستان ایرانی گردیده است، اعلام و از خواست اعزام هیأتی بایسران، جهت بازدید از زندانیان و نحوه شکنجه‌های وارده بر آنان، حمایت کرده است.

بقیه از صفحه ۴
بشر دانسته، با اشاره به تجارب تاریخی تأکید کرد مانند این اعمال، صرفاً در خدمت منافع امپریالیسم و نابودی انقلاب ایران خواهند بود.
● "کمیته" هم‌آهنگی زنان در برلن غربی "از سازمانها و گروه‌های مختلف زنان عضو خواسته است، به بازدید مریم فیروز و سایر زنان عضو "تشکیلات دمکراتیک زنان ایران" و رفتار وحشیانه "مأمورین جمهوری اسلامی با آنان، قویاً اعتراض نمایند.

**کمک مالی به
حزب توده ایران،
یک وظیفه انقلابی است!**

**رفقای هوادار حزب توده ایران در
اشتوتگارت
هزینه چاپ این شماره "راه توده" را
تأمین کردند**

آمریکا ۵۰۰۰ دلار
رقای اکثزیت (پاریس) ۳۰۰۰ فرانک
فرانکفورت ۲۰۰۰ مارک

RAHE TUDEH
No. 48
Friday, 31 June 83
Winfried Schwarz
Address: Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

Price:	England	30	P.
West-Germany	Belgium	22	Fr.
	Italy	600	L.
	1 DM		
France	3 Fr.	U.S.A.	40 Cts.
Austria	8 Sch.	Sweden	3 Skr.

